فصلنامهٔ علمی مطالعات ادبیات شیعی
سال اول، شمارهٔ دوم، پاییز ۱۴۰۱

شناسایی گویندهٔ خطبهٔ مشهور به متقین

کاظم استادی[۱]

چکیده

خطبهٔ همام، متقین را توصیف کرده و برای آنان بیش از صد صفت برشمرده است. برای این خطبه، ترجمه‌های مستقل و شروح فراوانی نوشته شده است؛ اما در این میان و با پژوهش‌های جدید، روشن شده که روایت یا خطبهٔ متقین به سه مدل در منابع متقدم درج شده و با هم اختلافات فراوانی دارند؛ به‌طوری‌که متن برخی منابع با متن نهج‌البلاغه، اساساً متفاوت هستند. با توجه به اهمیت خطبهٔ متقین و برخی تشکیکاتی که نسبت به برخی از خطب و مطالب نهج‌البلاغه وجود دارد، اکنون لازم است از جهات مختلف، اصالت‌سنجی مستقلی پیرامون این خطبه صورت پذیرد؛ برای نمونه بررسی شود که گوینده یا نویسندهٔ آن کیست؛ بنابراین می‌توان پرسید: ۱. اسناد خطبهٔ متقین در منابع متقدم چگونه هستند و چه اختلافاتی با هم دارند؟ ۲. این اسناد چه جمع‌بندی را پیرامون راوی اصلی و گویندهٔ متن خطبه در اختیار ما می‌گذارد؟ ۳. با بررسی متن خطبه، چه شواهدی برای تأیید انتساب گویندهٔ آن، پیش روی ما است؟ نوشتهٔ حاضر، به بررسی تطبیقی خطبهٔ همام در منابع متقدم تا قرن هفتم، پرداخته که نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نام راوی اصلی خطبه، مخدوش و شامل این افراد است: ۱. راوی مجهول؛ ۲. ابن عباس؛ ۳. نوف بکالی؛ ۴. سلیم بن قیس؛ ۵. حسن بصری؛ ۶. اوفی بن دلهم؛ ۷. علی بن حسین(ع)؛ ۸. امام

---

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، پژوهشگر مطالعات اسلامی، kazemostadi@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۹- تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۴

صادق(ع)؛ ۹. امام باقر(ع)؛ ۱۰. ذوالنون المصری. از سوی دیگر، گویندهٔ خطبه نیز در این افراد، نامتعین است: ۱. علی(ع)؛ ۲. حسن بصری؛ ۳. عالم؛ ۴. ابن عباس؛ ۵. علی بن حسین(ع)؛ ۶. ذوالنون المصری. اما با توجه به شواهد متنی و داستان همام، به نظر می‌رسد که خطبهٔ متقین از تراث صوفیه باشد.

واژه‌های کلیدی: نهج‌البلاغه، خطبهٔ همام، حضرت علی(ع)، سید رضی.

۱. مقدمه

نهج‌البلاغه در سه بخش خطبه‌ها، نامه‌ها، کلمات قصار دسته‌بندی و ارائه شده است که البته ترتیب برخی از مطالب در نسخه‌های خطی متفاوت هستند و حتی برخی از نسخه‌های نهج‌البلاغه، دارای تعداد متفاوتی از خطبه‌ها و مطالب می‌باشند (شوشتری، ۱۳۷۶، ج۱: ۳۷). در هر صورت، بخش ابتدایی و اصلی نهج‌البلاغه، گزینشی از برخی خطبه‌های امیرالمؤمنین بوده که شامل ۲۴۱ خطبه است. تمامی خطبه‌های نهج‌البلاغه در نسخه‌های خطی متقدم آن، بدون عنوان و نام‌هستند و فقط چهار خطبهٔ شقشقیه (ش۳)، غراء (ش۸۳)، اشباح (ش۹۱) و قاصعه (ش۹۲) احتمالاً توسط سید رضی یا نسخه‌برداران، نام‌گذاری شده است (رشاد، ۱۳۸۰، ج۱۲: ۱۹).

خطبه‌های متقین، غراء و شقشقیه، از مهم‌ترین خطبه‌های نهج‌البلاغه معرفی شده‌اند که در این میان، خطبهٔ متقین یا همام چونان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین خطبه‌های نهج‌البلاغه مطرح شده است (مطهری، ۱۳۷۲، ج۱۶: ۳۵۹) این خطبهٔ اخلاقی‌عرفانی، به درخواست «هَمّام» که گفته شده یکی از یاران و شیعیان امام بوده است (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج۱۰: ۱۳۳)، در توصیف صفات متقین بیان شده است؛ هرچند که شخص همام در این خطبه، از اسامی مشترک بوده و هویت وی در خطبه، شناسانده نشده است.

گویندهٔ خطبهٔ همام، متقین و پرهیزکاران را توصیف کرده و برای آنان، بیش از صد صفت برشمرده است. ازآنجایی‌که این خطبه بسیار مهم شمرده شده است، ترجمه‌های مستقل (دین‌پرور، ۱۳۸۵) و شروح فراوانی (مجلسی، ۱۳۸۵) مخصوصاً در دوره‌های متأخر بر آن نوشته شده و در تعداد بسیار زیاد منتشر شده است؛ اما در این میان با پژوهش تطبیقی جدیدی که صورت گرفته، روشن شده است که روایت یا خطبهٔ متقین، به سه مدل در منابع متقدم درج شده است که اختلافات جزئی و کلی فراوانی با هم دارند؛

به‌طوری‌که متن برخی منابع، با متن نهج‌البلاغه کاملاً متفاوت هستند. همچنین، با توجه به تفاوت‌های متنی دیگر منابع به نسبت تاریخ تألیف آن‌ها، به نظر می‌رسد که متن یک روایت اولیه که حدود صد کلمه بوده است و در معاجم معتبر عرب وجود داشته، به‌تدریج توسط برخی از مشایخ حدیث و موعظه، مشروح شده است. این اضافات و تغییرات بر متن اصلی روایت، در چرخش زمانی میان مؤلفین و نسخه‌برداران، به چهار گروه روایت متمایز با تحریرهای مختلف تبدیل شده است (استادی، ۱۴۰۱).

از سوی دیگر، برخی از اندیشمندان در نسبت‌دادن متن نهج‌البلاغه یا لااقل بخشی از مطالب آن به حضرت علی(ع) تشکیک کرده‌اند (استادی، ۱۳۸۳: ۲۸۴؛ شهرستانی، ۱۳۸۷: ۱۱۵. ۱۲۵؛ السید، ۱۴۰۶هـ.ق)؛ هرچند در مقابل، برخی از علمای شیعه و اهل سنت، نسبت‌دادن این کتاب و سخنان آن را به حضرت علی(ع) درست می‌دانند و معتقدند که این سخنان اصیل هستند و بدون تردید از امام علی(ع) می‌باشند (استادی، ۱۳۸۳: ۲۸۴؛ شامحمدی، ۱۳۸۹). به واسطهٔ همین تشکیکات، برخی از پژوهشگران شیعه برای اثبات صحت و اعتبار سخنان و مطالب نهج‌البلاغه، آثار، مقالات و کتاب‌های متعددی در مورد اسناد و مدارک نهج‌البلاغه نوشته‌اند (حاجی خانی، ۱۳۹۷؛ مقالات مجلات پژوهش‌های نهج‌البلاغه و پژوهشنامهٔ نهج‌البلاغه).

۱-۱. پیشینه

پیرامون کلیت اسناد و مدارک نهج‌البلاغه یا بخشی از آن، آثار و کتاب‌های متعددی منتشر شده است؛ همانند: ۱- استناد نهج‌البلاغه، اثر امتیاز علی عرشی؛ ۲. اسناد و مدارك نهج‌البلاغه، اثر محمد دشتی؛ ۳. اسناد و مدارك نهج‌البلاغه، اثر رضا استادی؛ ۴. بحثی کوتاه پیرامون مدارك نهج‌البلاغه، اثر رضا استادی؛ ۵. بررسی اسناد و مدارك نهج‌البلاغه، اثر سیدجواد مصطفوی؛ ۶. پژوهشی نو در اسناد نهج‌البلاغه، اثر فرزانه فتاحیان و وحید سبزیان‌پور؛ ۷. پژوهشی در اسناد و مدارك نهج‌البلاغه، اثر محمدمهدی جعفری؛ ۸.

تکملة‌المنهاج، اثر حسن حسن‌زاده؛ ۹. مدارك نهج‌البلاغه، اثر کاشف الغطاء؛ ۱۰. مصادر نهج‌البلاغة و اسانیده، اثر سید عبدالزهراء حسینی؛ ۱۱. مصادر نهج‌البلاغه، اثر عبدالله نعمت؛ ۱۲. منهاج‌البراعة، اثر میرزا حبیب‌الله خویی؛ ۱۳. نهج‌البلاغه، اثر صبری ابراهیم السید؛ ۱۴. نهج‌السعادة فی مستدرك نهج‌البلاغة، اثر محمدباقر محمودی.

برخی از این آثار، به مناسبت بررسی اسناد و مدارک نهج‌البلاغه، اشاراتی نیز به وضعیت خطبهٔ همام داشته‌اند (السید، ۱۴۰۶هـ.ق: خ۹۶)؛ اما به ابعاد مختلف اصالت‌سنجی و استنادسنجی این خطبه در منابع متقدم نپرداخته‌اند. برخی مقالات نیز به تفسیر یا بررسی سبک‌شناختی خطبهٔ همام توجه داشته‌اند (امیدی‌پور، ۱۳۹۶).

۱-۲. طرح مسئله

با توجه به اهمیت خطبهٔ مشهور به متقین و مجهول‌بودن نام همام در خطبه و نیز برخی تشکیکاتی که نسبت به برخی از خطب و مطالب نهج‌البلاغه و نیز اصالت متن خطبهٔ همام وجود دارد، لازم است اصالت‌سنجی و اعتبارسنجی مستقلی پیرامون این خطبه از جهات مختلف صورت پذیرد؛ مثلاً چون اکنون متن روایت یا خطبهٔ متقین در دست ماست، وجود این متن نشان می‌دهد که بالاخره این گفته، گوینده و نویسنده یا گویندگان و نویسندگانی داشته است؛ پس لازم است صاحب متن مشخص گردد؛ بنابراین برای دستیابی به این موضوع، می‌توان پرسید: ۱. اسناد خطبهٔ متقین در منابع متقدم چگونه است؟ ۲. آیا اختلافی در انتساب خطبه به فرد یا افرادی در این اسناد ملاحظه می‌شود؟ ۳. این اسناد، چه جمع‌بندی را پیرامون راوی اصلی و گویندهٔ متن خطبهٔ متقین در اختیار ما می‌گذارد؟ ۴. با بررسی متن خطبه، چه شواهدی برای تأیید انتساب گویندهٔ خطبه، پیش روی ما قرار می‌گیرد؟ پژوهش حاضر، با ذکر مقدماتی، به بررسی این مسائل پیرامون خطبهٔ همام در منابع متقدم تا قرن هفتم، خواهد پرداخت.

۲. معرفی اسناد خطبه در منابع متقدم

پیش از معرفی اسناد، لازم است که تنوع منابع خطبهٔ متقین دانسته شود.

۲-۱. تنوع شکلی منابع خطبهٔ متقین

روایت یا خطبهٔ متقین، به سه شکل کلی در منابع متقدم درج شده است.

الف) منابعی که کامل یا بخش بیشتری از خطبهٔ متقین نهج‌البلاغه را نقل نموده‌اند.

دسته‌ای از منابع، متن مشروح خطبهٔ مشهور به متقین را درج نموده‌اند که به‌طور میانگین، هشتصد کلمه دارند. به‌جز برخی از این منابع، بقیهٔ آن‌ها، تقریباً تمامی متن خطبهٔ کنونی متقین نهج‌البلاغه و منابع مشابه او را دارند؛ هرچند که برخی دیگر نیز اضافات فراوانی در خود جای داده‌اند. این منابع عبارتند از: ۱. اضافات کتاب سلیم (مدل ۵)[1]؛ ۲. التّمحیص؛ ۳. صفات الشیعه؛ ۴. کتاب الأمالی؛ ۵. تحف‌العقول؛ ۶. کنزالفوائد؛ ۷. روضة‌الواعظین؛ ۸. مکارم الاخلاق؛ ۹. التذکرة الحمدونیة؛ ۱۰. تذکرة الخواص؛ ۱۱. مطالب السؤول. این منابع که غالباً به حوزهٔ حدیثی شام، بغداد و ایران (قم و ...) مربوط می‌شوند، از لحاظ سندی، دو دسته هستند: منابع بی‌سند، هشت عدد و منابع سنددار، سه عدد.

ب) منابعی که بخش اندکی از خطبهٔ متقین نهج‌البلاغه را نقل نموده‌اند.

دسته‌ای از منابع نیز که غالباً به حوزهٔ حدیثی بغداد مربوط می‌شوند، متن غیرمشروح خطبه را درج نموده‌اند که به‌طور میانگین، حدود ۱۱۰ کلمه و حداکثر ۱۷۰ کلمه دارند. از این تعداد کلمات متن این منابع، حدود هفتاد کلمهٔ آن در خطبهٔ کنونی همام یا متقین نهج‌البلاغه و منابع مشابه او وجود دارد و حدود صد کلمهٔ آن، وجود ندارد. این منابع عبارتند از: ۱. عیون الاخبار (م۲۷۶)؛ ۲. کتاب تأویل مختلف‌الحدیث (م۲۷۶)؛ ۳.

کتاب الأولیاء (م۲۸۱)؛ ۴. کتاب الهم و الحزن (م۲۸۱)؛ ۵. فقه الرضا(ع) (م۳۲۳)؛ ۶. عقد الفرید (م۳۲۸)؛ ۷. کافی (م۳۲۹) ج۲: ۱۳۱؛ ۸. المجالسة و جواهر (م۳۳۳)؛ ۹. الفوائد و الزهد و الرقائق و المراثی؛ ۱۰. طبرانی به نقل از ابونعیم اصفهانی. این منابع از لحاظ سندی، دو دسته هستند: منابع بی‌سند، چهار عدد و منابع سنددار، شش عدد.

ج) منابعی که متن کاملاً متفاوتی را از خطبهٔ همام نهج‌البلاغه نقل نموده‌اند.

خطبهٔ همام در برخی منابع که دارای اسناد هستند و به حوزهٔ حدیثی شام، بغداد و ایران (قم و ری) مربوط می‌شوند، کاملاً متفاوت از نهج‌البلاغه است و به صورت میانگین حدود ۶۳۵ کلمه می‌باشد که عبارتند از: ۱. کافی (م۳۲۹) نقل دوم ج۲: ۲۲۶؛ ۲. تاریخ دمشق (م۵۷۱هـ.ق). در تاریخ دمشق حدود ۵۱۰ کلمه آمده است که تقریباً هیچ اشتراکی با خطبهٔ متقین نهج‌البلاغه ندارد. در روایت متن کافی، حدود ۷۶۰ کلمه وجود دارد که تنها حدود ۱۹۰ کلمهٔ آن در بخش ششم و هفتم خطبه، با نهج‌البلاغه و منابع مشابه آن، هماهنگ است. (استادی، ۱۴۰۱).

۲-۲. اسناد خطبهٔ متقین

با توجه به منابعی که پیش‌تر ذکر شد، اسناد متن روایت خطبهٔ غیرمشروح و مشروح و نیز دو روایت کاملاً متفاوت، عبارتند از:

۲-۲-۱ و ۲. مجهول از علی(ع)

در کتاب عیون الاخبار و نیز کتاب تأویل مختلف الحدیث ابن‌قتیبة الدِّینَوری (م۲۷۶هـ.ق)، متن حدیث غیرمشروح بدون اسناد آمده است (دینوری، ۱۴۱۸هـ.ق: ج۲: ۳۸۰؛ همو، ۱۴۱۹هـ.ق: ۲۵) و تنها نوشته شده: «و قال علیّ(ع)».

۲-۲-۳. حسن بصری

در کتاب الأولیاء ابن أبی‌الدنیا (م۲۸۱هـ.ق)، روایت کوتاه و غیرمشروحی نقل شده که در اسناد آن آمده است: «حَدَّثَنَا عَبْدُ اللهِ، ذَكَرَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، نا عَبْدُ الْعَزِيزِ ابوخَالِدٍ الْأُمَوِيُّ، نا مَسْلَمَةُ الْعَابِدُ، عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ جَعْفَرٍ، أَنَّ الْحَسَنَ كَانَ يَقُولُ ...» (ابن أبی‌الدنیا، ۱۴۱۳هـ.ق: ۳۸).

۲-۲-۴. حسن بصری

همچنین، در کتاب الهم و الحزن ابن أبی‌الدنیا، همان روایت کوتاه با اسناد دیگری آمده است: «حَدَّثَنَا عَبْدُ اللهِ حَدَّثَنِی ابوزَكَرِيَّا الْبَلْخِيُّ، ثنا مُعْتَمِرُ بْنُ سُلَيْمَانَ، عَنِ الْفُرَاتِ بْنِ سُلَيْمَانَ: أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ أبی‌الْحَسَنِ كَانَ يَقُولُ: ...» (ابن أبی‌الدنیا، ۱۴۱۲هـ.ق: ۶۹).

۲-۲-۵. مجهول از عالم

در کتاب فقه الرضا(ع) که به شلمغانی (م۳۲۳) نیز منسوب شده است (شبیری، ۱۳۹۹، ج۴: ۴۹۱)، اسنادی برای روایت غیرمشروح متقین نیامده و تنها نوشته شده است: «أروی عن العالم(ع) أنه قال ...» (شلمغانی، ۱۴۰۶هـ.ق: ۳۷۰).

۲-۲-۶. مجهول از ابن عباس

در کتاب العقد الفرید ابن‌عبدربه (م۳۲۸هـ.ق) نیز اسنادی برای روایت غیرمشروح خطبهٔ متقین نیامده و تنها نوشته شده است: «سئل ابن عباس عن الخائفین لله، فقال: ...» (ابن‌عبدربه، بی‌تا، ج۳: ۱۲۵).

۲-۲-۷. علی بن حسین(ع)

در کافی کلینی (م۳۲۹هـ.ق) دو روایت آمده است: یکی از آن‌ها متن خطبهٔ غیرمشروح

متقیـن اسـت، بـدون اینکـه عنـوان خطـب بـرای آن درج شـود و اسـناد آن عبارت‌انـد از: «مُحَمَّـدُ بْـنُ يَحْيَـى عَـنْ أَحْمَـدَ بْـنِ مُحَمَّـدِ بْـنِ عِيسَـى عَـنْ عَلِـيِّ بْـنِ الْحَكَـمِ عَـنْ عُمَـرَ بْـنِ أَبَـانٍ عَـنْ أَبِي‌حَمْـزَةَ عَـنْ أَبِي‌جَعْفَـرٍ(ع) قَـالَ: قَـالَ عَلِـيُّ بْـنُ الْحُسَـيْنِ(ع) ...» (کلینـی، ۱۴۰۷هـ.ق، ج۲: ۱۳۱).

۲-۲-۸. امام صادق(ع) از علی(ع)

دومیـن روایـت کافـی کـه جـز اندکـی از آن، تفـاوت بسـیاری بـا خطبـهٔ متقیـن نهج‌البلاغـه دارد، بـا ایـن اسـناد آمـده اسـت:

«مُحَمَّـدُ بْـنُ جَعْفَـرٍ عَـنْ مُحَمَّـدِ بْـنِ إِسْـمَاعِيلَ عَـنْ عَبْـدِ اَللَّهِ بْـنِ دَاهِـرٍ عَـنِ الْحَسَـنِ بْـنِ يَحْيَـى عَـنْ قُثَـمَ أَبِي‌قَتَـادَةَ اَلْحَرَّانِـيِّ عَـنْ عَبْـدِ اَللَّهِ بْـنِ يُونُـسَ عَـنْ أَبِي‌عَبْـدِ اَللَّهِ(ع) قَـالَ: قَـامَ رَجُـلٌ يُقَـالُ لَـهُ هَمَّـامٌ وَ كَانَ عَابِداً نَاسِكاً مُجْتَهِداً إِلَى أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ(ع) وَ هُوَ يَخْطُبُ فَقَالَ يَـا أَمِيرَاَلْمُؤْمِنِيـنَ ...» (همـان، ج۲: ۲۲۶).

۲-۲-۹. أَوْفَى بْنِ دَلْهَمٍ از علی(ع) یا بدون سند (مجهول از مجهول)

در کتـاب المجالسـة و جواهرالعلـم اثـر أبوبکـر الدینـوری (م۳۳۳هـ.ق)، متـن روایـت غیرمشروح خطبـهٔ مشـهور به متقیـن، بـا کمـی مطالـب اضافـی در ابتـدای آن و ایـن اسـناد ذکـر شـده اسـت: «حَدَّثَنَـا مُحَمَّـدُ بْـنُ عَبْـدِ الْعَزِيـزِ الدِّينَـوَرِيُّ، نَـا أَبِـي، عَـنْ وَكِيـعٍ، عَـنْ عَمْـرِو بْـنِ مُنَبِّـهٍ، عَـنْ أَوْفَـى بْـنِ دَلْهَـمٍ، عَـنْ عَلِـيِّ بْـنِ أَبِي‌طَالِـبٍ رَضِـيَ اللهُ عَنْـهُ؛ أَنَّهُ قَـالَ: تَعَلَّمُـوا الْعِلْمَ تُعْرَفُـوا بِـهِ ... ثُـمَّ قَـالَ: إِنَّ الدُّنْيَـا قَـدِ ارْتَحَلَـتْ ...» (الدینوری المالکی، ۱۴۱۹هـ.ق، ج۲: ۱۴۴)؛ بـا توجـه بـه متـن روایـت در دیگـر منابـع هم‌ردیـف، بـه نظـر می‌رسـد کـه دو روایـت مختلـف ذیـل یـک سـند آمـده اسـت. بـه ایـن معنـا کـه روایـت دوم کـه پـس از ثـمَّ قـالَ می‌باشـد و متـن خطبـهٔ متقیـن در آن وجـود دارد، بی‌سـند اسـت.

۲-۲-۱۰. حسن بصری

در کتاب الفوائد و الزهد و الرقائق و المراثی اثر جعفر الخلدی (م۳۴۸هـ.ق) متن روایت غیرمشروح خطبه، با این اسناد ذکر شده است: «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، ثنا عَبْدُ الْعَزِيزِ أَبُوخَالِدٍ الْأُمَوِيُّ، ثنا مَسْلَمَةُ الْعَابِدُ، عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ جَعْفَرٍ، أَنَّ الْحَسَنَ، كَانَ يَقُولُ: ...» (الخلدی، ۱۴۰۹هـ.ق: ۲۷).

۲-۲-۱۱. حسن بصری

در کتاب حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء اثر ابونعیم اصفهانی (م۴۳۰هـ.ق) به نقل از سُلَيْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ طبرانی (م۳۶۰)، این اسناد آمده است:

> «حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ، قَالَ: ثنا بِشْرُ بْنُ مُوسَى، قَالَ: ثنا مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ بْنِ أبی‌لَيْلَى، قَالَ: ثنا مَسْلَمَةُ بْنُ جَعْفَرٍ الْأَحْمَسِيُّ الْأَعْوَرُ، عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ الزِّيَادِيِّ، وَ هُوَ عَبْدُ الْحَمِيدِ بْنُ كُرْدِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ، رَحِمَهُ اللهُ تَعَالَى قَالَ ...» (ابونعیم اصفهانی، بی‌تا، ج۲: ۱۵۱).

۲-۲-۱۲. مجهول از علی(ع)

در کتاب تحف العقول ابن‌شعبه حرانی (م ح ۳۸۱ق) خطبهٔ مشروح بدون سند و ذکر نام گوینده آمده است. البته در بخش سخنان حضرت امیر(ع) آورده شده است (حرانی، ۱۴۰۴هـ.ق: ۱۵۹).

۲-۲-۱۳. مجهول از علی(ع)

در کتاب التّمحیص منسوب به محمد بن همّام الإسکافی (م۳۳۶) یا ابن‌شعبه حرّانی (ق۴)، خطبهٔ مشروح بدون اسناد و به صورت مجهول، این‌گونه آمده است:

«و روی أنّ صاحباً لأمیرالمؤمنین(ع) یقال له همام و کان رجلاً عابداً، فقام إلیه و قال له: یا أمیرالمؤمنین ...» (اسکافی، بی‌تا: ۷۰).

۲-۲-۱۴. سلیم بن قیس از علی(ع)

در گروه ب مدل ۵ از کتاب‌های منسوب به سلیم (م۷۶ یا ۹۰هـ.ق) که دارای خطبهٔ همام است (حدیث ۴۳، نک: سُلیم، ۱۴۱۵هـ.ق، ج۲: ۸۴۹). این سند که در واقع سند کلی نسخه‌های خطی سنددار کتاب‌های سلیم بوده، برای روایت ذکر شده است: «وَ عَنْ أَبَانِ بْنِ أَبِی‌عَیَّاشٍ عَنْ سُلَیْمٍ قَالَ: قَامَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ(ع) یُقَالُ لَهُ هَمَّامٌ وَ کَانَ عَابِداً مُجْتَهِداً فَقَالَ یَا أَمِیرَالْمُؤْمِنِینَ ...».

همچنین در کافی در عنوان «خُطْبَةٌ لِأَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ(ع)»، بخش اندکی در حد دو خط از خطبهٔ مشهور به متقین، در ضمن صفحات بسیاری از یک حدیث با مطالب متفاوت و با اسناد سلیم بن قیس آمده است:

«عَلِیُّ بْنُ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِیسَی عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سُلَیْمِ بْنِ قَیْسٍ الْهِلَالِیِّ قَالَ: خَطَبَ أَمِیرُالْمُؤْمِنِینَ(ع) فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَی عَلَیْهِ ثُمَّ صَلَّی عَلَی النَّبِیِّ(ص) ثُمَّ قَالَ أَلَا إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَیْکُمْ خَلَّتَانِ اتِّبَاعُ الْهَوَی وَ طُولُ الْأَمَلِ اما اتِّبَاعُ الْهَوَی فَیَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ اما طُولُ الْأَمَلِ فَیُنْسِی الآخرَةَ»؛ «أَلَا إِنَّ الدُّنْیَا قَدْ تَرَحَّلَتْ مُدْبِرَةً وَ إِنَّ الآخرَةَ قَدْ تَرَحَّلَتْ مُقْبِلَةً وَ لِکُلٍّ وَاحِدَةٍ بَنُونَ فَکُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الآخرةِ وَ لَا تَکُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الدُّنْیَا» ... (ادامه نامرتبط دارد) (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ج۸: ۵۸).

همین عبارت، در حدیث شمارهٔ ۱۸ کتاب سلیم به نقل از پیامبر(ص) با این اسناد آمده است: «قال سلیم بن قیس: سمعت أبا الحسن(ع) یحدثنی و یقول: إن النبی(ص) قال ...» (سُلیم، ۱۴۱۵هـ.ق: ۲۶۱، ح۱۸).

۲-۲-۱۵ و ۱۶. امام محمدباقر(ع) از علی(ع)

در دو اثر شیخ صدوق (م۳۸۱هـ.ق)، یعنی صفات الشیعة و امالی، خطبهٔ مشروح با این سند آمده است: «حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ اَلْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ اَلْوَلِیدِ رِضْوَانُ اَللَّهِ عَلَیْهِ قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ اَلْحَسَنِ اَلصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِیُّ بْنُ حَسَّانَ اَلْوَاسِطِیُّ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اَلرَّحْمَنِ بْنِ کَثِیرٍ اَلْهَاشِمِیِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ(ع) قَالَ: ...» (صدوق، ۱۳۶۲: ۱۸؛ همو، امالی، ۱۳۷۶: ۵۷۰)؛ البته در سند کتاب صفات الشیعه، پس از نام ابن ولید، نام مُحَمَّدُ بْنُ اَلْحَسَنِ اَلصَّفَّارُ افتاده است.

۲-۲-۱۷. مجهول از علی(ع)

در کتاب نهج‌البلاغه سید رضی (م۴۰۶هـ.ق) نیز خطبهٔ مشروح بدون سند ذکر شده و در ابتدای آن فقط آمده است: «رُوِیَ أَنَّ صَاحِباً لِأَمِیرِاَلْمُؤْمِنِینَ(ع) یُقَالُ لَهُ هَمَّامٌ کَانَ رَجُلاً عَابِداً فَقَالَ لَهُ یَا أَمِیرَاَلْمُؤْمِنِینَ ...» (رضی، ۱۳۸۵: ۲۸۶، خ۱۹۳).

۲-۲-۱۸ و ۱۹. نوف الکسائی [بکالی] از علی(ع)

در کتاب کنزالفوائد أبوالفتح الکراجکی (م۴۴۹هـ.ق) مشروح خطبه را با اضافاتی در ابتدا و میانه‌های آن، با دو سند زیر آورده است:

الف) «و اخبرنی ایضا ابوالرجا محمد بن علی بن طالب الرازی قال اخبرنی ابوالمفضل محمد بن عبد الله بن محمد بن المطلب الشیبانی قال حدثنی ابوعبدالله جعفر بن محمد بن جعفر العلوی الحسنی قال حدثنا أحمد بن محمد بن عیسی الوابشی قال حدثنی عاصم بن حمید الخیاط».

ب) «[و] قال ابوالمفضل الشیبانی و حدثنا محمد بن علی بن أحمد بن عامر البندار بالکوفة من اصل کتابه و هذا الحدیث بلفظه و هو اتم سیاقه قال حدثنا الحسن بن

علی بن بزیع قال حدثنا مالك بن إبراهیم عن عاصم بن حمید عن أبی‌حمزة الثمالی عن رجل من قومه یعنی یحیی بن ام الطویل انه اخبره عن نوف الکسائی قال ...» (کراجکی، ۱۴۱۰هـ.ق: ۳۱).

۲-۲-۲۰. مجهول از علی(ع)

در کتاب روضة الواعظین و بصیرة المتعظین اثر الفتّال النیشابوری (م۵۰۸هـ.ق) متن مشروح خطبه به صورت مجهول و بدون اسناد آمده است. با این آغاز: «وَ رُوِیَ أَنَّ صَاحِباً یُقَالُ لَهُ هَمَّامٌ کَانَ رَجُلًا عَابِداً فَقَالَ یَا أَمِیرَالْمُؤْمِنِینَ ...» (الفتّال النیشابوری، ۱۳۷۵، ج۲: ۴۳۸).

۲-۲-۲۱. مجهول از علی(ع)

در مکارم الاخلاق اثر رضی‌الدین حسن بن فضل الطبرسی (م ح ۴۶۸ تا ۵۴۸) نیز متن مشروح خطبه به صورت مجهول و بدون اسناد آمده است. با این آغاز: «روی أن صاحبا له یقال له همام کان رجلا عابدا، فقال له یا أمیرالمؤمنین ...» (طبرسی، بی‌تا: ۴۷۵).

۲-۲-۲۲. مجهول از علی(ع)

در کتاب التذکرة الحمدونیة اثر ابن‌حمدون (م۵۶۲) خطبهٔ مشروح بدون نقل داستان همام در اول و آخر و نیز بدون درج سند و ذکر نام گویندهٔ اصلی متن آمده است؛ البته در بخش سخنان حضرت امیر(ع) آورده شده و در ابتدای آن آمده است: «و له(ع) کلام یصف فیه المتقین نبه فیه علی آداب، أفلح من استضاء بنورها، أوله ...» (ابن‌حمدون، ۱۹۹۶م، ج۱: ۹۳).

۲-۲-۲۳. ذوالنون بن إبراهیم المصری

در کتاب تاریخ دمشق اثر ابن‌عساکر (م۵۷۱هـ.ق) متنی آمده که تقریباً همانند روایت

دوم کافی از خطبهٔ همام است و هر دو، تفاوت بسیاری با خطبهٔ متقین نهج‌البلاغه دارد. این روایت با این اسناد آمده است: «أخبرنا ابوسهل محمد بن إبراهیم أنا ابوالفضل الرازی أنا جعفر بن عبدالله نا محمد بن هارون حدثنا بعض أصحابنا نا محمد بن الحسن الهمدانی قال و حدثنا عیسی بن عبدالله نا محمد بن الحسن الهمدانی قال سمعت ذاالنون بن إبراهیم المصری یقول ...» (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵هـ.ق، ج۱۷: ۴۱۹).

۲-۲-۲۴. ابن عباس از علی(ع)

در کتاب تَذکِرَةُ الخَواصّ مِنَ الأمّة فی ذِکرِ خَصائص الأئمة اثر یوسف بن قزاوغلی مشهور به سبط ابن‌الجوزی (م۵۹۷هـ.ق) خلاصهٔ خطبهٔ مشروح، بدون نقل داستان همام در اول و آخر با اسناد ناقص، این‌گونه آمده است: «و فی روایة مجاهد عن ابن عباس قال: سمعت أمیرالمؤمنین(ع) یقول ...» (سبط بن الجوزی، ۱۴۲۶هـ.ق: ۱۳۰).

۲-۲-۲۵. نوف [بکالی] از علی(ع)

در کتاب مطالب السؤول فی مناقب آل‌الرسول اثر محمد بن طلحة النصیبی الشافعی (م۶۵۲) خطبهٔ مشروح خلاصه‌شده با اضافاتی از داستان نوف و همام (شبیه کنز الفوائد)، بدون اسناد آمده است (نصیبی شافعی، ۱۴۱۹هـ.ق: ۱۹۵).

جدول اسناد و راویان خطبه متقین (همام)

۰	کتاب	۴۵۰ق+	۴۲۵ق+	۴۰۰ق+	۳۷۵ق+	۳۵۰ق+	۳۲۵ق+	۳۰۰ق+	۲۷۵ق+	۲۵۰ق+	۲۲۵ق+	۲۰۰ق+	۱۷۵ق+	۱۵۰ق+	۱۲۵ق+	۱۰۰ق+	۷۵ق+	۵۰ق+	۲۵ق+
۰	۴مدل کتاب‌های سلیم	خطبه را ندارند	خطبه را ندارند	خطبه را ندارند	خطبه را ندارند	خطبه را ندارند	خطبه را ندارند	خطبه را ندارند	خطبه را ندارند	خطبه را ندارند	خطبه را ندارند	خطبه را ندارند	خطبه را ندارند	خطبه را ندارند	خطبه را ندارند	خطبه را ندارند	خطبه را ندارند	خطبه را ندارند	خطبه را ندارند
۱	عیون‌الاخبار	–	–	–	–	–	–	–	ابن‌قتیبه الدینوری(م۲۷۶)	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	حضرت علی(ع) (م۴۰)
۲	کتاب تأویل مختلف الحدیث	–	–	–	–	–	–	–	ابن‌قتیبه الدینوری(م۲۷۶)	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	حضرت علی(ع) (م۴۰)
۳	کتاب الأولیاء	–	–	–	–	–	–	–	ابن أبی‌الدنیا (م۲۸۱)		عَبْدُ اللهِ	مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِيْن	عَبْدُ الْعَزِيزِ أَبُو خَالِدٍ الْأَمَوِيُّ	مَسْلَمَةُ الْعَابِدُ	عَبْد الْحَمِيد بْن جَعْفَر	الْحَسَن‌إبصری (م۱۱۰)	–	–	–
۴	کتاب الهم و الحزن	–	–	–	–	–	–	–	ابن أبی‌الدنیا (م۲۸۱)		عَبْدُ اللهِ	أَبُو زَكَرِيَّا الْبَجَلِيُّ	مُعْتَمِرُ بْنُ سُلَيْمَانَ (م۱۸۷)		الْفُرَات بْن سُلَيْمَانَ	الْحَسَن بْن أَبی الْحَسَن (م۱۱۰)	–	–	–
۵	فقه الرضا	منسوبه شلمغانی	–	–	–	–	–	شلمغانی (م۳۲۳)	أروِي	؟	؟	العالم	–	–	–	–	–	–	–
۶	عقد الفرید	–	–	–	–	–	ابن عبد ربه اندلسی (م۳۲۸)	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	أبی حمزة الثمالی (م۱۵۰)	؟	؟	ابن عباس (م۶۸)	–
۷	کافی کلینی ۱۳۱/۲	–	–	–	–	–	محمد بن یعقوب کلینی(م۳۲۹)	مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى	أَحْمَد بْن مُحَمَّد بْن عِيسَى(م۲۸۰)	؟	؟	؟	عَلِيُّ بْنُ الْحَكَم	عُمَر بْن أُبَان	أَبی جَعْفَر (ع) (م۱۱۳)	عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْن (م۹۵)	–
۸	کافی کلینی ۲۳۶/۲	–	–	–	–	–	محمدبن یعقوب کلینی(م۳۲۹)	مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ (م۳۱۲)	مُحَمَّد بْن إِسْمَاعِيل	عَبْد اللَّه بْن ذاهِر	الْحَسَن بْن يَحْيَى	قُثَم أَبِی قَتَادَة الْحَرَّانِيُّ	عَبْد اللَّه بْن يُونُس	أَبِی عَبْد اللَّه (م۱۴۸)		؟	؟	حضرت علی(ع) (م۴۰)
۹	کتاب المجالسة وجواهر العلم	–	–	–	–	–	أبوبکر الدینوری (م۳۳۳)		مُحَمَّدُ بْنُ عَبْد الْعَزِيز الدَّيْنَوَرِيُّ	أَبِی		وَكِيعٌ		عَمْرو بْن مُنَبِّه		أَوْفَى بْن دَلْهَم		عَلِيّ بْن أَبِی طَالِب
۱۰	کتاب الفوائد والزهد والرقائق والمراثی	–	–	–	–	–	جعفر الخلدی (م۳۴۸)		أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّد (م۲۹۹)			مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِيْن	عَبْدُ الْعَزِيزِ أَبُو خَالِدٍ الْأَمَوِيُّ	مَسْلَمَةُ الْعَابِدُ	عَبْد الْحَمِيد بْن جَعْفَر	الْحَسَن‌إبصری (م۱۱۰)	–	–	–
۱۱	حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء	–	أبونعیم الأصبهانی (م۴۳۰)				سُلَيْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ (م۳۶۰)			بِشْرُ بْنُ مُوسَى	مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَان بْن أَبِی لَيْلَى		مَسْلَمَةُ بْنُ جَعْفَرٍ الْأَخْمَسِيُّ الْأَعْوَرُ		عَبْد الْحَمِيد الزِّيَادِيُّ	الْحَسَن بصری (م۱۱۰)	–	–	–
۱۲	تحف العقول	–	–	–	ابن‌شعبه حرانی(م۳۸۱)	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	حضرت علی(ع) (م۴۰)
۱۳	التمحیص	–	منسوب به‌ابن‌شعبه یا اسکافی(م۳۳۶)	–	ابن‌شعبه حرانی(م۳۸۱)	رُوِيَ	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	حضرت علی(ع) (م۴۰)
۱۴	اضافات کتاب سلیم مدل ۵	قرن ۴ یا ۵ منسوب به سلیم	–	–	–	–	–	–	–	–	–	–	–	معمر بن راشد (م۱۵۲)	أبان بن أبی عیاش (م۱۲۸ یا ۱۳۸)		سلیم بن قیس (م۷۶ یا ۹۰)	–	حضرت علی(ع) (م۴۰)
۱۵	صفات الشیعة	–	–	–	صدوق (م۳۸۱)	–	مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَن (م۳۴۳)	؟	؟	؟	؟	؟	عَلِيُّ بْنُ حَسَّان الْوَاسِطِيُّ	عَبْد الرَّحْمَن بْن كَثِير الْهَاشِمِيُّ م ج ۱۵۵	جَعْفَر بْن مُحَمَّد (م۱۳۸)	أَبِيه (م۱۱۳)	؟	؟	حضرت علی(ع) (م۴۰)
۱۶	الأمالی	–	–	–	صدوق (م۳۸۱)	–	مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَن بْن أَحْمَد بْن الْوَلِيد (م۳۴۳)	–	مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَن الصَّفَّارُ (م۲۹۰)	؟	؟	؟	عَلِيُّ بْنُ حَسَّان الْوَاسِطِيُّ	عَبْد الرَّحْمَن بْن كَثِير الْهَاشِمِيُّ م ج ۱۵۵	جَعْفَر بْن مُحَمَّد (م۱۳۸)	أَبِيه (م۱۱۳)	؟	؟	حضرت علی(ع) (م۴۰)
۱۷	نهج البلاغة	–	–	سید رضی (م۴۰۶)	رُوِيَ	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	حضرت علی(ع) (م۴۰)
۱۸	کنز الفوائد	محمد بن علی کراجکی (م۴۴۹)		–	أبو المفضل الشیبانی (م ج ۳۸۵)	؟	؟	محمد بن علی بن احمد بن عامر النشار	؟	؟	؟	الحسن بن علی بن بزیع	مالك بن إبراهیم	عاصم بن حمید	أبی حمزة الثمالی (م۱۵۰)	رجل من قومه یعنی یحیی بن ام الطویل	نوف الکسائی (م ج ۷۳)		حضرت علی(ع) (م۴۰)
۱۹				ابو الرجا محمد بن علی بن طالب الرازی	ابوالمفضل محمد بن عبدالله بن محمد بن المطلب الشیبان	؟	؟	أبو عبد الله جعفر بن محمد بن جعفر العلوی الحسنی	أحمد بن محمد بن عیسی الوابشی	؟	؟	؟	؟	عاصم بن حمید الخیاط					
۲۰	الفضّال النیشابور ی (م۵۰۸) روضة الواعظین و بصیرة المتعظین		رُوِيَ	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	حضرت علی(ع) (م۴۰)
۲۱	رضی الدین الطبرسی (ق۶) مکارم الاخلاق		رُوِيَ	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	حضرت علی(ع) (م۴۰)
۲۲	التذکرة الحمدونیة	ابن حمدون (م۵۶۲)		؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	حضرت علی(ع) (م۴۰)
۲۳	تاریخ دمشق	ابن عساکر (م۵۷۱)	محمدبن إبراهیم أبوالفضل الرازی	جعفر بن عبدالله	محمدبن هارون	بعض أصحابنا		عیسی بن عبد الله		محمد بن الحسن الهمدانی	ذوالنون بن إبراهیم المصری	–	–	–	–	–	–	–	–
۲۴	تذکرة الخواص	سبط بن الجوزی (م۵۹۷)	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	مجاهد (م۱۰۴)	؟	ابن عباس (م۶۸)	حضرت علی(ع) (م۴۰)
۲۵	مطالب السؤول	محمد بن طلحه‌شافعی (م۶۵۲)	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	نوف [بکالی] (م ج ۷۲)		حضرت علی(ع) (م۴۰)

۳. شناسایی راوی اصلی خطبهٔ متقین

با توجه به بررسی اسنادی که صورت گرفت، دو حالت در شناسایی راوی اصلی روایت یا خطبهٔ متقین پیش روی ماست که در هر کدام از این حالت‌ها، شناسایی راوی اصلی خطبه متفاوت می‌گردد.

۳-۱. حالت اول: گویندهٔ اصلی خطبهٔ متقین معین نباشد

اگر گویندهٔ اصلی خطبهٔ متقین معین و البته حضرت امیر(ع) نباشد، افراد متفاوتی می‌توانند راوی اصلی و اولیهٔ خطبه باشند؛ به این معنا که مثلاً اگر متن روایت یا خطبهٔ متقین از حسن بصری باشد، راوی اولیه برای سخن وی، عبدالحمید بن جعفر یا فرات بن سلیمان خواهد بود. یا مثلاً اگر متن روایت یا خطبهٔ متقین از ابن عباس یا العالم باشد، راوی اولیه برای سخن ایشان، مجهول خواهد بود. یا اگر خطبه از علی بن حسین(ع) باشد، راوی اولیهٔ وی، امام محمدباقر(ع) خواهد بود.

۳-۲. حالت دوم: خطبه از حضرت امیر(ع) باشد

اگر گویندهٔ اصلی متن یا خطبه را حضرت امیر(ع) بدانیم، راوی اصلی آن متن و به نوعی ناظر واقعه، این افراد می‌شوند:

۱. راوی مجهول (نک: الف ـ مجهول از علی(ع): دینوری، ۱۴۱۸هـ.ق، ج۲: ۳۸۰؛ همو، ۱۴۱۹هـ.ق: ۲۵؛ حرانی، ۱۴۰۴هـ.ق: ۱۵۹؛ اسکافی یا حرانی، بی‌تا: ۷۰؛ رضی، ۱۳۸۵: ۲۸۶، خ۱۹۳؛ الفتّال النیشابوری، ۱۳۷۵، ج۲: ۴۳۸؛ طبرسی، بی‌تا: ۴۷۵؛ ابن‌حمدون، ۱۹۹۶م، ج۱: ۹۳. ب ـ مجهول از عالم: شلمغانی، ۱۴۰۶هـ.ق: ۳۷۰. ج ـ مجهول از ابن‌عباس: ابن‌عبدربه، بی‌تا، ج۳: ۱۲۵).

۲. ابن عباس (سبط بن الجوزی، ۱۴۲۶هـ.ق: ۱۳۰).

۳. نوف بکالی (کراجکی، ۱۴۱۰هـ.ق: ۳۱؛ نصیبی شافعی، ۱۴۱۹هـ.ق: ۱۹۵).

۴. سلیم بن قیس (سُلیم، ۱۴۱۵هـ.ق، ج۲: ۸۴۹).

۵. حسن بصری (ابن أبی‌الدنیا، ۱۴۱۳هـ.ق: ۳۸؛ ابن أبی‌الدنیا، ۱۴۱۲هـ.ق: ۶۹؛ الخلدی، ۱۴۰۹هـ.ق: ۲۷؛ ابونعیم اصفهانی، بی‌تا، ج۲: ۱۵۱).

۶. اوفی بن دلهم (الدینوری المالکی، ۱۴۱۹هـ.ق، ج۲: ۱۴۴). البته در صورتی که روایت را سنددار فرض کنیم و سند موجود، از آن روایت قبلی نباشد.

۷. علی بن حسین(ع) (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ج۲: ۱۳۱).

۸. ابی‌عبدالله(ع) (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ج۲: ۲۲۶).

۹. امام محمدباقر(ع) (صدوق، ۱۳۶۲: ۱۸؛ همو، ۱۳۷۶: ۵۷۰).

۱۰. ذوالنون بن إبراهیم المصری (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵هـ.ق، ج۱۷: ۴۱۹).

۳-۳. تجزیه و تحلیل اختلاف نام راوی اصلی

همان‌طور که گفته شد، اگر گویندهٔ اصلی متن یا خطبه را حضرت امیر(ع) بدانیم، برای تجزیه و تحلیل اختلاف نام راوی اصلی می‌توان گفت: راویانی که فاصلهٔ طبقه و زمانی با حضرت امیر(ع) دارند و امکان نقل مستقیم و حضور در واقعهٔ خطبه را ندارند، با فرض افتادگی راویان، می‌توان آن‌ها را در گروه «راوی مجهول» از حضرت امیر قرار داد؛ اما افرادی که هم‌دوره و تقریباً هم‌طبقهٔ حضرت امیر(ع) بوده‌اند و امکان نقل مستقیم و حضور در واقعه را دارند، عبارتند از: ۱. ابن‌عباس؛ ۲. نوف بکالی؛ ۳. سلیم بن قیس؛ ۴. حسن بصری؛ ۵. اوفی بن دلهم؛ ۶. راوی مجهول.

علاوه بر مسئلهٔ راوی مجهول، اگر گویندهٔ اصلی متن روایت یا خطبه را حضرت

امیر(ع) بدانیم، نام راویان اصلی معلوم را با دو رویکرد می‌توان مرکز توجه قرار دارد که بدان اشاره می‌شود.

۳-۳-۱. از نظر تاریخی و قدمت منابع

از نظر تاریخی و قدمت منابع، راوی اصلی متن یا خطبهٔ متقین، به این ترتیب می‌شوند (جدول بعد را نیز ملاحظه کنید):

نیمهٔ دوم قرن سوم و نیمهٔ اول قرن چهارم: حسن بصری.

نیمهٔ اول قرن چهارم: اوفی بن دلهم (بر فرض وجود سند).

نیمهٔ اول قرن پنجم: نوف بکالی.

نیمهٔ دوم قرن پنجم یا ششم: سلیم بن قیس.

قرن هفتم: ابن عباس.

جدول مدل‌های خطبه متقین					
		گروه اول میانگین کلمات: **۱۲۰** کلمه	گروه دوم میانگین کلمات: **۹۲۰** کلمه	گروه سوم میانگین کلمات: **۷۱۵** کلمه	گروه چهارم میانگین کلمات: **۶۳۵** کلمه
قرن سوم	نیمه اول				
	نیمه دوم	**عیون الاخبار** (م۲۷۶)، **کتاب تأویل** (م۲۷۶)، **کتاب الأولیاء** (م۲۸۱)، **الهم والحزن** (م۲۸۱)			
قرن چهارم	نیمه اول	**فقه الرضا** (م۳۲۳)، **عقد الفرید** (م۳۲۸)، **کافی** (م۳۲۹) ۱۳۱/۲، **المجالسة** (م۳۳۳)، **کتاب الفوائد** (م۳۴۸)	**التمحیص** (م۳۳۶)	**تحف العقول** (ق۴)	**کافی** (م۳۲۹) ۲۲۶/۲
	نیمه دوم			**صفات الشیعة** و **الامالی** (م۳۸۱)	
قرن پنجم	نیمه اول		**کنز الفوائد** (م۴۴۹)	**نهج البلاغة** (م۴۰۶)	
	نیمه دوم		**اضافات کتاب‌های سلیم** (قرن۵ به بعد)		
قرن ششم	نیمه اول			**روضة‌الواعظین** (م۵۰۸)، **مکارم‌الاخلاق** (م ح ۴۶۸ تا ۵۴۸)	
	نیمه دوم			**التذکرة حمدونیة** (م۵۶۲)، **تذکرالخواص** (م۵۹۷)	**تاریخ دمشق** (م۵۷۱ق)
قرن هفتم			**مطالب‌السؤول** (م۶۵۲)		

۳-۳-۲. با توجه به گروه‌بندی منابع متقدم

با توجه به گروه‌بندی چهارگانهٔ متن خطبه در منابع متقدم، راوی اصلی خطبه در این گروه‌ها به این صورت وجود دارند:

گروه اول: مجهول + حسن بصری + اوفی بن دلهم (البته در صورتی که روایت اوفی بن دلهم را سنددار فرض کنیم و سند موجود، از آن روایت قبلی نباشد.)

گروه دوم: مجهول + نوف بکالی + سلیم بن قیس.

گروه سوم: مجهول + ابن عباس.

گروه چهارم: ابی‌عبدالله(ع) و نیز ذوالنون المصری است که چون هم‌طبقه با حضرت امیر(ع) نیستند، نمی‌توانند ناظر مستقیم و راوی اصلی متن یا خطبهٔ متقین باشند.

۳-۳-۳. جمع‌بندی و نتیجه

با توجه به تنوع راویان در منابع، راوی اصلی متن یا خطبهٔ متقین به‌سادگی قابل شناسایی نیست. نتیجه اینکه: اگر راوی مجهول را یکی از پنج نفر بالا بگیریم، ما با پنج نفر به‌عنوان راوی اصلی متن یا خطبهٔ متقین روبه‌رو هستیم؛ اما اگر راوی مجهول شخصی جدای از افراد بالا باشد، ما با شش راوی اصلی برای متن یا خطبهٔ متقین روبه‌رو هستیم.

جدای از نقل دوم کافی (ج۲: ۲۲۶) و تاریخ دمشق که متنی بسیار متفاوت از دیگر متون منابع برای خطبهٔ متقین است و یکی از ابی‌عبدالله از حضرت علی(ع) و نیز دیگری از محمد بن الحسن الهمدانی از ذوالنون مصری نقل شده‌اند، برای مابقی منابع پیش رو، مجبور هستیم بگوییم که یک متن با هستهٔ اصلی و عبارات یکسان که لاجرم گویندهٔ آن نمی‌تواند بیش از یک نفر باشد، توسط پنج یا شش نفر نقل مستقیم یا به‌عنوان راوی ناظر، نسخه‌برداری و ارائه شده است. نتیجه اینکه، جز یک نفر،

سایر راویان اصلی متن، جعلی یا نادرست هستند. در این وضعیت، اگر همهٔ این پنج و شش نفر از نظر رجالی معتبر و قابل اعتماد باشند، تأثیری در اعتبار متن خطبه یا روایت موجود ندارد؛ اما اگر این‌چنین نباشند، تعیین راوی اصلی خطبه و روایت برای اعتبارسنجی خطبه، حائز اهمیت خواهد شد.

۴. گویندهٔ اصلی خطبهٔ متقین

پس از بررسی وضعیت راوی اصلی خطبه، اکنون با توجه به اسناد خطبه که پیش‌تر گذشت، می‌توان دربارهٔ گویندهٔ اصلی خطبه نیز تأملاتی را ارائه نمود.

۴-۱. وضعیت انتساب خطبهٔ متقین

با توجه به اسناد خطبه در منابع متقدم و نیز متن منابع متقدمی که روایت یا خطبهٔ مشهور به متقین در آن‌ها آمده است (استادی، ۱۴۰۱)، صاحب کلام متن روایت یا خطبهٔ متقین، به شش نفر منتهی و منتسب می‌شود:

۱. **علی**(ع) (دینوری، ۱۴۱۸هـ.ق، ج۲، ۳۸۰؛ همو، ۱۴۱۹هـ.ق: ۲۵؛ کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ج۲: ۲۲۶؛ الدینوری المالکی، ۱۴۱۹هـ.ق، ج۲: ۱۴۴ (بر فرض وجود سند)؛ حرانی، ۱۴۰۴هـ.ق: ۱۵۹؛ اسکافی، بی‌تا: ۷۰؛ سُلیم، ۱۴۱۵هـ.ق، ج۲: ۸۴۹؛ صدوق، ۱۳۶۲: ۱۸؛ همو، امالی، ۱۳۷۶: ۵۷۰)؛ رضی، ۱۳۸۵: ۲۸۶، خ۱۹۳؛ کراجکی، ۱۴۱۰هـ.ق: ۳۱؛ الفتّال النیشابوری، ۱۳۷۵، ج۲: ۴۳۸؛ طبرسی، بی‌تا: ۴۷۵؛ ابن‌حمدون، ۱۹۹۶م، ج۱: ۹۳؛ سبط بن الجوزی، ۱۴۲۶هـ.ق: ۱۳۰؛ نصیبی شافعی، ۱۴۱۹هـ.ق: ۱۹۵).

۲. **حسن بصری** (ابن أبی‌الدنیا، ۱۴۱۳هـ.ق: ۳۸؛ ابن أبی‌الدنیا، ۱۴۱۲هـ.ق: ۶۹؛ الخلدی، ۱۴۰۹هـ.ق: ۲۷؛ ابونعیم اصفهانی، بی‌تا، ج۲: ۱۵۱).

۳. **عالم** (شلمغانی، ۱۴۰۶هـ.ق: ۳۷۰).

۴. **ابن عباس** (ابن‌عبدربه، بی‌تا، ج۳: ۱۲۵).

۵. علی بن حسین(ع) (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ج۲: ۱۳۱).

۶. **ذوالنون بن إبراهیم المصری** (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵هـ.ق، ج۱۷: ۴۱۹).

۴-۲. تجزیه و تحلیل اختلاف انتساب

با توجه به تعدد صاحب متن، بررسی این نام را با دو رویکرد می‌توان مورد توجه قرار دارد (جدول قبل را ملاحظه کنید):

۴-۲-۱. از نظر تاریخی و قدمت منابع

صاحب کلام متن یا خطبهٔ متقین از نظر تاریخی و قدمت منابع، به این ترتیب می‌باشد:

الف) در نیمهٔ دوم قرن سوم و نیمهٔ اول قرن چهارم، این متن به پنج نفر منتسب شده است: علی(ع) + حسن بصری + عالم + ابن عباس + علی بن حسین(ع).

ب) از نیمهٔ اول قرن چهارم به بعد، دو نفر: حضرت علی(ع) + ذوالنون المصری.

۴-۲-۲. با توجه به گروه‌بندی منابع متقدم

با توجه به متن روایت و خطبهٔ همام در منابع و برخی اختلافات و اضافات یا افتادگی‌های موجود در متن منابع، می‌توان کتاب‌ها و منابع مشابه را در چهار گروه دسته‌بندی نمود: ۱. گروه منابع سنددار با روایت‌های غیرمشروح و متقدم‌تر؛ ۲ و ۳. گروه منابع با خطبهٔ مشروح (یک و دو) که غالباً بی‌سند و با راوی مجهول هستند؛ ۴. گروه منابع سنددار با متن کاملاً متفاوت از خطبهٔ همام نهج‌البلاغه (استادی، ۱۴۰۱).

صاحب کلام متن روایت یا خطبهٔ متقین با توجه به گروه‌بندی چهارگانهٔ آن‌ها در منابع متقدم، به این صورت بیان شده است: گروه اول: علی(ع) + حسن بصری + عالم + ابن عباس + علی بن حسین(ع). گروه دوم: علی(ع). گروه سوم: علی(ع). گروه چهارم: علی(ع) + ذوالنون المصری.

۴-۳. جمع‌بندی و نتیجه

۴-۳-۱. راه‌های پیش رو در جمع‌بندی اسناد گویندهٔ خطبه

گویندهٔ اصلی متن یا خطبهٔ متقین از طریق اسناد منابع متقدم، به‌سادگی قابل شناسایی نیست؛ بنابراین چند راه می‌توان پیش گرفت:

الف) متن را کلاً مخدوش بدانیم و هیچ انتسابی را نپذیریم: چون انتساب متن به افراد مختلف وجود دارد، احتیاط کنیم و اساساً متن را مخدوش بدانیم و خود را برای استدلال جهت انتساب به شخص خاصی به زحمت نیندازیم.

ب) یکی از انتسابات را به دلایل و شواهدی بپذیریم: ما می‌توانیم با توجه به برخی از شواهد یکی از انتساب‌ها را بپذیریم؛ مثلاً بگوییم چون حضرت امیر(ع) متقدم از همه هستند، گوینده علی(ع) است و متن را از حضرت امیر(ع) بدانیم و بگوییم که افراد دیگر، متن را از وی نقل نموده‌اند و نام گوینده یا راویان میانی، در نسخه‌های خطی افتادگی دارد. یا مثلاً بگوییم چون محتوای متن با آموزه‌های صوفیانه هماهنگ است، گویندهٔ متن نیز حسن بصری است و متن را از وی بدانیم و بگوییم: متن به اشتباه بر حضرت امیر(ع) یا دیگران منتسب شده است.

ج) فرازهای متن خطبه را تفکیک و انتساب هر بخش را مجزا بررسی نماییم: صرف‌نظر از روایت دوم کافی و نیز تاریخ دمشق که اختلاف فاحشی با تمامی منابع خطبهٔ متقین دارد و با توجه به این نکتهٔ مهم که متن کنونی خطبهٔ نهج‌البلاغه تا قرن چهارم در منبعی پیش روی ما قرار ندارد و اولین منبع، کتاب التمحیص یا مشابه آن است، به نظر می‌رسد که مناسب است ما به دو متن روایت قائل شویم. به عبارت ساده، متن مختصر اصلی روایت که در منابع قرن سوم آمده و متن مشروح همان روایت که در منابع قرن چهارم به بعد آمده است؛ با این وضعیت، می‌توانیم دو انتساب را برای دو متن

مشروح و غیرمشروح مطرح کنیم و بپرسیم: ۱. گویندهٔ متن اصلی روایت کوتاه که در منابع قرن سوم آمده است، کیست؟ ۲. گویندهٔ متن مشروح روایت که از آن به خطبهٔ موجود در نهج‌البلاغه یاد می‌شود و در منابع مشابه از قرن چهارم به بعد آمده است، کیست؟

۴-۳-۲. جمع‌بندی تفکیکی اسناد منابع

اگر جدول اسناد روایات منابع را که پیش‌تر آمد، ساده کنیم و اسناد تکراری و منابع بدون سند متقدم‌تر را از جدول این اسناد حذف کنیم، به جدول جدید پیش رو می‌رسیم که حاوی دو نکتهٔ اساسی است:

الف) در منابع متقدم‌تر که متن غیرمشروح روایت متقین آمده است، همهٔ اسناد منتهی به حسن بصری می‌شوند، جز دو سند که یکی سند کافی است و گویندهٔ روایت را امام سجاد(ع) می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ج۲: ۱۳۱) و دیگری، سند کتاب المجالسة ابوبکر دینوری است.

متن روایت کتاب المجالسة در واقع دو روایت پشت سر هم است که سند روایت دوم جا افتاده و این تصور را ایجاد کرده که روایت خطبهٔ متقین در ادامهٔ متن روایت قبلی و با همان سند روایت قبلی است. متن روایت پیش از متن خطبهٔ متقین در کتاب المجالسة، در منابع متعددی به صورت مستقل و بدون ادامهٔ متن روایت متقین آمده است (وکیع، ۱۴۰۴هـ.ق: ۵۳۱؛ أحمد بن حنبل، ۱۴۲۰هـ.ق: ۱۰۷) که نشان می‌دهد این متن، خود روایت مستقلی بوده با اسناد اوفی بن دلهم از حضرت امیر(ع) که حتی در برخی منابع، از پیامبر(ص) ذکر شده است (الصالحی الشامی، بی‌تا، ج۱۱: ۳۰۴). بنابراین، جز سند کافی که خطبهٔ متقین را از امام سجاد(ع) دانسته است، تمامی منابع متقدم‌تر که متن غیرمشروح خطبه را دارند، گویندهٔ متن متقین را حسن بصری درج نموده‌اند.

ب. اسناد منابع مشروح خطبه، جز سه مورد، همگی مجهول نقل شده‌اند و حذف سند گشته‌اند.

جدول مقایسه‌ای اسناد روایت منابع غیرمشروح و اسناد منابع خطبه مشروح

	کتاب		۳۰۰+ قمری	۲۷۵+ قمری	۲۵۰+ قمری	۲۲۵+ قمری	۲۰۰+ قمری	۱۷۵+ قمری	۱۵۰+ قمری	۱۲۵+ قمری	۱۰۰+ قمری	۷۵+ قمری	
۱	کتاب الأولیاء	–	–	ابن أبی‌الدنیا (م۲۸۱)		عَبْدُ اللّهِ	مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ	عَبْدُ الْعَزِیزِ أَبُو خَالِدٍ الْأُمَوِیُّ	مَسْلَمَةُ الْعَابِدُ	عَبْدِ الْحَمِیدِ بْنِ جَعْفَرٍ	الْحَسَنِ‌البصری (م۱۱۰)	–	–
۲	کتاب الهم و الحزن	–	–	ابن أبی‌الدنیا (م۲۸۱)		عَبْدُ اللّهِ	أَبُو زَکَرِیَّا الْبَلْخِیُّ	مُعْتَمِرُ بْنُ سُلَیْمَانَ (م۱۸۷)		الْفُرَاتِ بْنِ سُلَیْمَانَ	الْحَسَنِ بْنِ أَبِی الْحَسَنِ (م۱۱۰)	–	–
۳	کافی کلینی ۱۳۱/۲	محمد بن یعقوب کلینی(م۳۲۹)	مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَی	أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی(ز ۲۸۰)	؟	؟	؟	عَلِیُّ بْنِ الْحَکَمِ	عُمَرَ بْنِ أَبَانٍ	أبی حمزة الثمالی (م۱۵۰)	أَبِی جَعْفَرٍ (ع) (م۱۱۴)	عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ (م۹۵)	–
۴	کتاب المجالسة وجواهر العلم	أبوبکر الدینوری (م۳۳۳)		مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِیزِ الدِّیْنَوَرِیُّ	أَبِی			وَکِیعٍ		عَمْرِو بْنِ مُنَبِّهٍ		أَوْفَی بْنِ دَلْهَمٍ	عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ
۵	کتاب الفوائد والزهد والرقائق والسرائر	جعفر الخلدی (م۳۴۸)		أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ (م۲۹۹)			مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ	عَبْدُ الْعَزِیزِ أَبُو خَالِدٍ الْأُمَوِیُّ	مَسْلَمَةُ الْعَابِدُ	عَبْدِ الْحَمِیدِ بْنِ جَعْفَرٍ	الْحَسَنِ‌البصری (م۱۱۰)	–	–
۶	حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء (م۴۳۰)	سُلَیْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ (م۳۶۰)			بِشْرُ بْنُ مُوسَی		مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ بْنِ أَبِی لَیْلَی		مَسْلَمَةُ بْنُ جَعْفَرٍ الْأَخْمَسِیُّ الْأَغْوَرُ	عَبْدِ الْحَمِیدِ الزِّیَادِیِّ	الْحَسَنِ بصری (م۱۱۰)	–	–
۱	تحف العقول	ابن‌شعبه حرانی(م ح۳۸۱)	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	حضرت علی(ع) (م۴۰)
۲	التمحیص	منسوب به‌ابن‌شعبه یا اسکافی(م۳۳۶)	رُوِیَ	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	حضرت علی(ع) (م۴۰)
۳	اضافات کتاب سلیم مدل ۵	قرن ۴ یا ۵ منسوب به سلیم	–	–	–	–	–	–	معمر بن راشد (م۱۵۳)	ابان بن ابی عیاش (م۱۲۸ یا ۱۳۸)	–	سلیم بن قیس (م۷۶ یا ۹۰)	حضرت علی(ع) (م۴۰)
۴	صفات الشیعة و الأمالی	صدوق (م۳۸۱)	مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِیدِ (م۳۴۳)	مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ (م۲۹۰)	؟	؟	؟	عَلِیُّ بْنُ حَسَّانَ الْوَاسِطِیُّ	عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ کَثِیرٍ الْهَاشِمِیِّ(م ح ۱۵۵)	جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (م۱۴۸)	أَبِیهِ (م۱۱۴)	؟	حضرت علی(ع) (م۴۰)
۵	نهج البلاغة	سید رضی (م۴۰۶)	رُوِیَ	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	حضرت علی(ع) (م۴۰)
۶	کنز الفوائد	محمد بن علی کراجکی (م۴۴۹)	أبو المفضل الشیبانی (م ح ۳۸۵)	محمد بن علی بن أحمد بن عامر البندار و علوی	۲ / یا أحمد بن محمد بن عیسی الوابشي	الحسن بن علی بن بزیع	مالك بن إبراهیم	عاصم بن حمید	أبی حمزة الثمالی (م۱۵۰)	رجل من قومه من یحیی بن ام الطویل	نوف الکسائی (م ح۷۳)		حضرت علی(ع) (م۴۰)
۷	روضة الواعظین و بصیرة المتعظین	الفتال النیشابوري (م۵۰۸)	رُوِیَ	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	حضرت علی(ع) (م۴۰)
۸	مکارم الاخلاق	رضی الدین الطبرسي (ق۶)	رُوِیَ	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	حضرت علی(ع) (م۴۰)
۹	التذکرة الحمدونیة	ابن حمدون (م۵۶۲)	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	حضرت علی(ع) (م۴۰)
۱۰	تذکرة الخواص	سبط بن الجوزي (م۵۹۷)	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	مجاهد (م۱۰۴)	ابن عباس (م۶۸)	حضرت علی(ع) (م۴۰)
۱۱	مطالب السؤول	محمد بن طلحه‌شافعی (م۶۵۲)	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	؟	نوف [بکالی] (م ح۷۳)	حضرت علی(ع) (م۴۰)

۵. برخی اطلاعات و احتمالات پیش رو برای کشف گویندهٔ خطبه

علاوه بر جمع‌بندی اسناد که گذشت، اگر فرض باشد که اسناد خطبهٔ متقین نمی‌توانند صددرصد ما را در کشف گویندهٔ خطبه یاری نماید، اکنون لازم است برای کشف نام گویندهٔ خطبه، به بررسی محتوای متن خطبه در دو شکل مشروح و غیرمشروح آن بپردازیم؛ اما پیش از آن، بهتر است در برخی اطلاعات و احتمالات پیش رو برای کشف گویندهٔ خطبه تأمل نماییم تا با توجه به آن‌ها، بهتر بتوانیم محتوای خطبه را بررسی کنیم.

۵-۱. نکاتی مهم پیرامون متن خطبهٔ مشهور به متقین

چند نکته دربارهٔ متن و اسناد خطبه درخور توجه است:

۵-۱-۱. متن مشروح خطبه در منابع نخستین نیست

با توجه به نبود خطبهٔ همام در مدل‌های قدیمی کتاب‌های سلیم بن قیس (استادی، ۱۴۰۱: ۱۰) و نیز مخدوش‌بودن قدمت تاریخی نسخه‌های کتاب‌های سلیم (استادی، ۱۴۰۰: ب)، اولین منابعی که متن مشروح خطبهٔ متقین را درج نموده‌اند، کتاب‌های نیمهٔ دوم قرن چهارم، همانند التمحیص و تحف‌العقول هستند.

۵-۱-۲. متن روایت غیرمشروح خطبهٔ همام، بریده نیست

با توجه به منابع متقدم و تطبیق متن آن‌ها، توجه به این نکته ضروری است که متن روایت غیرمشروح در منابع قدیمی‌تر، بریده‌ای از یک قسمت مشروح خطبهٔ همام نیست (استادی، ۱۴۰۱: ۱۰)؛ بلکه آن متن روایت غیرمشروح، دارای سه بخش است که متن مشروح نسبت به آن، اضافاتی تقریباً شرحی دارد. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد متن مفصل خطبهٔ متقین، شرح متن روایت کوتاه نخستین است.

۵-۱-۳. انتساب روایت خطبه به حسن بصری و ذوالنون مصری

با توجه به اسناد روایت و خطبهٔ متقین در منابع مختلف با راویانی از صوفیه، روشن شده است که در منابع نخستین، متن این روایت به حسن بصری منتسب بوده و تنها در یک منبع، روایت به امام سجاد(ع) منتسب شده است (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ج۲: ۱۳۱). علاوه بر این، در روایت دوم کافی (همان، ج۲: ۲۲۶) که مشابه روایت کتاب تاریخ دمشق است (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵هـ.ق، ج۱۷: ۴۱۹)، متن خطبهٔ تاریخ دمشق با اسنادی از راویان صوفیه، به ذوالنون مصری منتسب گشته است که بخش‌هایی از این روایت، در متون دیگر منسوب به صوفیه نیز یافت می‌شوند.

۵-۲. مجلس‌گویی صوفیان و ادبیات تعلیمی آن‌ها

مجلس‌گویی یکی از سنت‌های دیرین در میان صوفیان و نوعی خطابهٔ منبری بوده است که موعظه را با لطایف‌گویی‌های صوفیانه در هم می‌آمیخته و از طرق تعلیمی متصوفه به شمار می‌آید که بعضی از مشایخ صوفیه، به آن معروف بوده‌اند. موضوع مجالس، غالباً وعظ و تذکیر است که سخنور با بیان هنجارهای اخلاقی و نشان‌دادن ناهنجاری‌ها برای اصلاح اندیشه و رفتار جامعه گام برمی‌داشته است. مجالس وعظی صوفیه به دو شکل عام (منبری) و خاص (خانقاهی) تشکیل می‌یافته و هریک شرایط و آداب ویژه‌ای داشته که مجلس‌گویی خاص آن، همراه با بلاغت ادبی بوده است (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۹).

سخن‌گفتن مشایخ در مجالس صوفیان، به صورت ارتجالی بوده است؛ یعنی مشایخ معمولاً از قبل موضوعی را در نظر نمی‌گرفتند و موضوع سخنرانی به ذهن ایشان خطور می‌کرده و در مورد آن به صحبت و موعظه می‌پرداختند. گوینده دربارهٔ موضوعی، مطالبی را از قرآن و احادیث و دریافت‌های خود تلفیق و برای حاضران بیان می‌کرده است و لازم بوده که وی از علوم اسلامی آگاه باشد؛ به‌خصوص، تفسیر و حدیث را نیکو بداند و از

ادبیات و طرز بیان مقصود، به‌خوبی مطلع باشد (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۴۵ و ۴۷).

در این‌گونه مجالس، مذکّر، متکلم وحده نبود و ممکن بوده در گرماگرم وعظ، کسی از مستمعان به پا ایستد و سؤالی کند و مجلس شیخ را دچار وقفه کند و مجلس‌گو درصدد پاسخ وی برآید (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۴۶) و اگر واعظ، صاحب بیانی جذاب و زهدی و ورعی کامل بود، گاه چنان شور و شوق و نیز پشیمانی و حسرت بر شنوندگان چیره می‌شد که کار ایشان به گریه، ندبه، توبه و انابت می‌کشید (محمد بن منور، ۱۳۶۶: ۴۵؛ صفا، ۱۳۱۵: ۱۰۳۹). بسیاری از تعالیم مشایخ صوفیه از طریق همین مجلس‌گویی‌ها به مریدان منتقل می‌شد. مریدان معمولاً از این مجالس یادداشت برمی‌داشتند و پاره‌ای از آن‌ها را می‌توان در لابه‌لای آثاری که مریدان دربارهٔ مشایخ خود نوشته‌اند، یافت. در مورد مجالس بعضی از مشایخ نیز آثار مستقلی در دست است (پورجوادی، ۱۳۸۰: ۵۳). به عبارت دیگر دیگر، مجالس وعظ صوفیانه در آغاز، صرف مجالس وعظ نبوده است و به‌گونه‌ای آن را با مجالس حدیث و املا به‌هم‌آمیخته می‌یابیم؛ یعنی در این مجالس، اغلب از مسائل تصوف و اصول و آداب و معارف آن، دقایق، لطایف و تأویلات قرآنی و حدیثی، توحید و تحقیق و مسائلی از این دست سخن می‌رفت و در لابه‌لای آن از وعظ و تذکیر نیز مباحثی به میان می‌آمد؛ به‌نحوی که مجلس وعظ را نمی‌توانیم به‌درستی از مجلس علم و حدیث و املا، بازشناسیم (سلیمانی، ۱۳۷۸: ۶۷ و ۶۸).

حسن بصری (م۱۱۰هـ.ق) نیز از این واعظان صوفی‌مشرب به شمار می‌رفت که حدیث از او نیز بسیار است. هرچند که مواعظ این دست واعظان متقدم، به‌طور منسجم در دسترس نیست و مواعظ ایشان در اثنای ظهور تألیفات صوفیان بعدی، ذکر یا جمع‌آوری شده است. حسن بصری از کسانی است که رسماً در زیّ صوفیه نبوده است، اما در سیر تطور تصوف، نقش اساسی داشته و خطبه‌ها، قصه‌ها و مواعظ زاهدانهٔ وی در گرایش جامعهٔ اسلامی به سمت تصوف، بسیار مؤثر بوده است.

اهمیت مواعظ وی به حدی است که اکثر کتاب‌های مشهور بعد از او، آن‌ها را نقل کرده‌اند که ازجملهٔ آن‌ها، کتاب‌های عقد الفرید و عیون الاخبار است که متن روایت همام را نیز دربردارند و از جُنگ‌های معتبر عربی به شمار می‌آیند. همچنین بسیاری از مؤلفان صوفیه، چون ابونصر سراج و ابونعیم اصفهانی، در کتاب‌های خود به ذکر سیرهٔ او پرداخته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۵۰).

۵-۳. برخی از احتمالات پیش روی ما برای گویندهٔ خطبه

با توجه به مطالبی که از ابتدا تاکنون گذشت، چند احتمال و فرضیه برای اظهارنظر دربارهٔ نام گویندهٔ اصلی روایت یا خطبهٔ متقین، پیش روی ماست که به نسبت این فرضیه‌ها، لازم است دلایل و شواهدی مطرح گردد: ۱. متن روایت غیرمشروح و مشروح، هر دو از حضرت امیر(ع) هستند. ۲. متن روایت غیرمشروح از حضرت امیر(ع) است؛ ولی اضافات تشریحی آن که در منابع نیمهٔ دوم قرن چهارم به بعد آمده، از دیگران است. مثلاً، روایت کوتاه در منابع متقدم، از حضرت امیر(ع) و توسط حسن بصری نقل شده و این نقل، توسط مشایخ صوفیهٔ بعدی بغداد یا شام، شرح شده است. سپس توسط شیعیان یا غلات منطقهٔ شام همانند ابن شعبه، متن ابتدایی و شرح مخلوط در آن، به‌عنوان یک متن واحد و به صورت خطبهٔ حضرت امیر(ع)، ثبت گشته و از منابع مرسل شامی، دوباره به منابع بغداد و ایران راه یافته است. در این میان و در قرون بعد، برای برخی اندک از این منابع جدید، سندسازی سهوی یا عمدی واقع شده است. ۳. متن روایت غیرمشروح و مشروح، هر دو از دیگران هستند.

۶. شواهدی به سود فرضیهٔ تراث صوفیه

برای کشف درستی انتساب گویندهٔ اصلی دو متن مشروح و غیرمشروح و درستی بعضی فرضیه‌ها، برخی از شواهد سندی و متنی می‌تواند تعیین فرضیه‌های انتساب

را پشتیبانی نماید که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۶-۱. همام، هویت تاریخی در جایگاه صحابی امام علی(ع) ندارد

در اکثر منابع معاصر و متأخر، خطبهٔ متقین به خطبهٔ همام نیز مشهور است. علت آن، وجود شخصی به نام همام و داستان وی به‌عنوان «سبب ورود» متن خطبه بوده که در آن، مخاطب کلام حضرت امیر(ع)، شخصی به نام همام دانسته شده است. بنابراین، بررسی هویت همام می‌تواند ما را در کشف هویت گویندهٔ متن خطبه نیز یاری کند.

هویت همام در متن روایت و خطبه مشخص نیست. ترجمه و شرح‌حال زندگی تاریخی همام و وقوع داستان خطبه برای وی نیز در منابع تاریخی و سیرهٔ حضرت امیر(ع) نیامده است. هرچند که عده‌ای برای هویت وی، گمان‌هایی برده‌اند: برخی همام را در این خطبه «همّام بن عباده بن خیثم» (کراجکی، ۱۴۱۰هـ.ق: ۳۱) و برخی دیگر آن را «همام بن شریح بن یزید بن عمر» دانسته‌اند (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج۱۰: ۱۳۳؛ بحرانی، ۱۳۷۰، ج۳: ۷۵۲).

این حدس و گمان‌ها، بدون شواهد تاریخی از دوران زندگی این همام‌ها و نیز ترجمه و سیرهٔ حضرت امیر(ع)، بی‌فایده است. توجه به این نکته بسیار مهم است که شخصی به نام همام و از اصحاب ایشان در حضور امیر مؤمنان(ع) و اصحاب مرده است؛ اما هیچ گزارشی از این واقعه در تاریخ به جز همین خطبه، وجود ندارد. از سوی دیگر، وقوع این واقعه برای زندگی همام بن عباده و نیز همام بن شریح نیز درج و ثبت نشده است؛ بنابراین، چون نسب همام در خطبه مشخص نیست، ممکن است که برخی نیز وی را «همام بن یحیی»، شاگرد حسن بصری بدانند که از شنیدن شرح کلام حسن بی‌هوش و مرده است. این روایت واقعهٔ مرگ را برخی از سران صوفیه، همانند جعفر خلدی، نقل نموده‌اند.

۶-۲. نوع وجود داستان همام در منابع و تنوع شکلی آن

ابتدا باید دانست که در سیزده منبع از ۲۳ منبع تا قرن هفتم، متن روایت یا خطبهٔ متقین، بدون درج داستان همام آمده است که این منابع عبارتند از: ۱ و ۲. عیون الاخبار و کتاب تأویل (م۲۷۶)؛ ۳ و ۴. الهم و الحزن و کتاب الأولیاء (م۲۸۱)؛ ۵. فقه الرضا (م۳۲۳)؛ ۶. عقد الفرید (م۳۲۸)؛ ۷. کافی (م۳۲۹) ج۲: ۱۳۱؛ ۸. المجالسة و جواهر (م۳۳۳)؛ ۹. کتاب الفوائد (م۳۴۸)؛ ۱۰. تحف العقول (ق۴)؛ ۱۱. التذکرة حمدونیة (م۵۶۲)؛ ۱۲. تذکرة الخواص (م۵۹۷)؛ ۱۳. تاریخ دمشق (م۵۷۱).

وجود داستان همام و تنوع شکلی آن نیز می‌تواند ما را در بررسی هویت گویندهٔ متن خطبه راهنمایی کند. در این باره، لازم است توجه کنیم که داستان همام را در دو بخش می‌توان مرکز توجه قرار داد: یک) بررسی داستان همام در گروه چهار یعنی روایت دوم کافی و روایت تاریخ دمشق که شامل دو روایت متفاوت خطبهٔ متقین از خطبهٔ نهج‌البلاغه است. در این گروه، یکی داستان همام را دارد و دیگری ندارد. دو) بررسی داستان همام در گروه‌های ۱، ۲ و ۳، مشابه نهج‌البلاغه؛ یعنی روایات غیرمشروح و مشروح از خطبهٔ متقین همسان با نهج‌البلاغه. در مجموع، وضعیت داستان و مخاطب خطبه در منابع متقدم را در چند دسته می‌توان برشمرد و تمایز قائل شد.

۶-۲-۱. داستان همام در جنگ صفین

علاوه بر روایت دوم کتاب کافی (ج۲: ۲۲۶) که متن آن بسیار متفاوت از تمام منابع است و تنها بخش اندکی از متن انتهایی خطبهٔ متقین را که شامل داستان همام نیز می‌شود، در بر دارد، ظاهراً این بخش، در نسخه‌برداری‌های کافی به متن روایت افزوده شده است. اولین منبع غیرمستقیمی که شامل داستان همام است، نقل طبرانی در کتاب الصواعق المحرقة اثر ابن‌حجر هیتمی (م۹۷۴هـ.ق) بوده که در آن آمده است:

«أَن علیا أُتِی یَوْم الْبَصْرَة بِذَهَب وَ فِضة فَقَالَ ابیضی و اصفری غری غَیْرِی غری أهل الشَّام غَدا إِذا ظَهَرُوا عَلَیْك فشق قَوْله ذَلِك علی النَّاس فَذکر ذَلِك لَهُ فَأذن فِی النَّاس فَدَخَلُوا عَلَیْهِ فَقَالَ إِن خلیلی(ص) قَالَ یَا عَلیّ إِنَّك ستقدم علی الله و شیعتك راضین مرضیین وَ یقدم عَلَیْهِ عَدوك غضابا مقمحین. ثمَّ جمع عَلیّ یَده إِلَی عُنُقه یُرِیهم الإقماح ... (متن خطبه) ... أُولَئِكَ شِیعَتِنَا و أحبتنا وَ منا و معنا أَلا هَؤُلَاءِ شوقا إِلَیْهِم فصاح بعض من مَعَه وَ هُوَ همام بن عباد بن خَیْثَم وَ کَانَ من المتعبدین صَیْحَة فَوَقع مغشیا عَلَیْهِ فحرکوه فَإِذا هُوَ فَارق الدُّنْیَا فَغسل وَ صلی عَلَیْهِ أَمِیرالْمُؤمِنِینَ وَ من مَعَه» (هیتمی، ۱۴۱۷هـ.ق، ج۲: ۴۴۹).

۶-۲-۲. داستان رایج همام در منابع با متن کم و مختصر

کتاب التمحیص داستان همام را به صورت کمی مختصر نسبت به منابع دیگر دارد. با این عبارات:

بخش اول: فقام إلیه و قال له یا أمیرالمؤمنین صف لی المتّقین کأنّی أنظر إلیهم فتثاقل(ع) عن جوابه ثمّ قال یا همام اتّق الله و أحسن فإنّ الله مع الّذین اتّقوا و الذین هم محسنون فلم یقنع همام بذلك القول حتّی عزم علیه فقال له أسألك بالذی أکرمك و خصّك و حباك و فضّلك بما آتاك لما وصفتهم لی فقام أمیرالمؤمنین فحمد الله ... **بخش آخر:** قال فصعق همام صعقة کانت نفسه فیها فقال أمیرالمؤمنین: أما و الله لقد کنت أخافه علیه ثمّ قال هکذا تصنع المواعظ البالغة بأهلها (اسکافی یا حرانی، بی‌تا: ۷۰).

۶-۲-۳. داستان رایج همام در منابع با متن متوسط

همان متن داستان التمحیص با اضافاتی در بخش دوم :

«قَالَ فَصَعِقَ هَمَّامٌ صَعْقَةً کَانَتْ نَفْسُهُ فِیهَا فَقَالَ أَمِیرُالْمُؤْمِنِینَ(ع) أَمَا وَ اَللَّهِ لَقَدْ کُنْتُ أَخَافُهَا عَلَیْهِ وَ أَمَرَ بِهِ فَجُهِّزَ وَ صَلَّی عَلَیْهِ وَ قَالَ هَکَذَا تَصْنَعُ اَلْمَوَاعِظُ اَلْبَالِغَةُ بِأَهْلِهَا فَقَالَ قَائِلٌ فَمَا بَالُكَ أَنْتَ یَا أَمِیرَاَلْمُؤْمِنِینَ قَالَ(ع) وَیْلَكَ إِنَّ لِكُلِّ أَجَلاً لَنْ یَعْدُوَهُ وَ سَبَباً

لاَ يُجَاوِزُهُ فَمَهْلاً لاَ تَعُدْ فَإِنَّمَا نَفَثَ عَلَى لِسَانِكَ اَلشَّيْطَانُ». در بیشتر منابعی که متن مشروح خطبه را در خود دارند، آمده است. همانند اضافات کتاب سلیم (قرن ۴ یا ۵)؛ الامالی صدوق و صفات الشیعة (م۳۸۱)؛ نهج‌البلاغه (م۴۰۶)؛ روضة‌الواعظین (م۵۰۸)؛ مکارم‌الاخلاق (قرن ۶).

۶-۲-۴. داستان همام با متن بیشتر و برخی جزئیات دیگر

در یک منبع از منابع تا قرن شش، داستان همام با جزئیات بیشتری درج شده است:

«اخبره عن نوف الکسائی قال عرضت لی الی أمیرالمؤمنین علی بن أبی‌طالب(ع) حاجة فاستبعثت إلیه جندب بن زهیر و الربیع بن خثیم و ابن اخته همام بن عبادة بن خیثم و کان من اصحاب البرانس فاقبلنا معتمدین لقاء أمیرالمؤمنین(ع) فالفیناه حین خرج یوم المسجد فافضی و نحن معه الی نفر متدینین قد افاضوا فی الحدوثات تفکها وبعضهم یلهی بعضا فلما اشرف لهم أمیرالمؤمنین(ع) اسرعوا إلیه قیاما فسلموا ورد التحیة ثم قال من القوم فقالوا اناس من شیعتك یا امیرالمؤمنین فقال لهم خیرا ثم قال یا هؤلاء ما لی لا اری فیکم سیمة شیعتنا و حلیة احبتنا أهل‌البیت فامسك القوم حیاء قال نوف فاقبل علیه جندب و الربیع فقالا ما سمة شیعتکم وصفتهم یا أمیرالمؤمنین فتثاقل عن جوابهما فقال اتقیا الله ایها الرجلان و احسنا فان الله مع الذین اتقوا و الذین هم محسنون فقال **همام بن عبادة** و کان عابدا مجتهدا اسالك بالذی اکرمکم أهل‌البیت و خصکم و حباکم و فضلکم تفضیلا إلا انباتنا بصفة شیعتکم فقال لا تقسم فسانبئکم جمیعا و اخذ بید همام فدخل المسجد فسبح رکعتین و اوجزهما و اکملهما ثم جلس و اقبل علینا و حف القوم به فحمد الله ...ثم وضع امیرالمؤمنین(ع) یده علی منکب **همام بن عبادة** فقال إلا من سئل من شیعة أهل‌البیت الذین ...فصاح **همام بن عبادة** صیحة وقع مغشیا علیه فحرکوه فإذا هو قد فارق الدنیا رحمة الله علیه فاستعبر الربیع باکیا و قال لاسرع ما اودت موعظتك

یا أمیرالمؤمنین یا بن اخی ولوددت انی بمکانه فقال أمیرالمؤمنین(ع) هکذا تصنع المواعظ البالغة باهلها أما و الله لقد کنت اخافها علیه فقال له قائل فما بالك انت یا أمیرالمؤمنین فقال ویحك ان لکل واحد اجلا لا یعدوه و سببا لن یتجاوزه فلا تعد بها فانما یعبثها علی لسانك الشیطان قال فصلی علیه أمیرالمؤمنین(ع) عشیة ذلك الیوم و شهد جنازته و نحن معه قال الراوی عن نوف فصرت الی الربیع بن خیثم فذکرت له ما حدثنی نوف فبکی الربیع حتی کادت نفسه ان تقبض و قال صدق اخی لا جرم ان موعظة أمیرالمؤمنین(ع) و کلامه ذلك منی بمرءا و مسمع ما ذکرت ما کان من همام بن عبادة یومئذ و اتانی هنیئة الاکدرها و لا شدة إلا فرجها» (کراجکی، ۱۴۱۰هـ.ق: ۳۰-۳۴).

مختصر همین داستان در کتاب مطالب‌السؤول (م۶۵۲)، ظاهراً با استفاده از همین کنزالفوائد آمده است (نصیبی شافعی، ۱۴۱۹هـ.ق: ۱۹۵). همچنین با توجه به عبارت «ثُمَّ وَقَعَ مَغْشِیّاً عَلَیْهِ فَقَالَ أَمِیرُالْمُؤْمِنِینَ(ع) أَمَا وَ اَللَّهِ لَقَدْ» در بخش آخر روایت دوم کافی (کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ج۲: ۲۲۶) که گفته شد با تمامی منابع متفاوت است. به نظر می‌رسد این بخش اضافی در همین روایت، از منبعی همانند کنزالفوائد یا منابع مشابه آن، برداشته و به نسخهٔ کافی افزوده شده است.

۶-۲-۵. جمع‌بندی

نتیجه اینکه، داستان همام در منابع متقدم‌تر وجود ندارد. همچنین این داستان پس از پیدایش در منابع بعدی، در مراحلی فربه شده و گسترش یافته است؛ از سوی دیگر، چون این داستان و نیز شخص همام در منابع نخستین شناخته شده نیست، به نظر می‌رسد که به متن روایت اولیه، افزوده شده است. هرچند که ممکن است داستان همام، داستانی واقعی باشد که در متن مشروح خطبهٔ متقین و در مجلسی متأخر از دوران حضرت امیر(ع) و در فضای مجالس درسی حدیثی یا «مجلس‌گویی» صوفیانه که مشایخ صوفیه به شرح روایت مختصر آن پرداخته‌اند، رخ داده باشد.

۶-۳. نوع داستان همام، کلیدواژهٔ داستان‌های صوفیه است

در روایات و آثار صوفیان و عارفان اسلامی، داستان‌ها و حکایات متعددی یافت می‌شود که در آن، شخصی با شنیدن سخن و گفتاری از بزرگان صوفیه و مانند آن، از خود بی‌خود گشته و بی‌هوش شده یا جان داده است. همانند روایتی از ذوالنون مصری (م۲۴۶هـ.ق) که ابونعیم اصفهانی (م۴۳۰هـ.ق) در کتاب حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء نقل کرده و در انتهای روایت آمده است: «... فَصَاحَ الشَّابُّ صَيْحَةً ثُمَّ خَرَّ مَغْشِيّاً عَلَيْهِ فَحَرَّكْنَاهُ فَإِذَا هُوَ قَدْ فَارَقَ الدُّنْيَا فَانْكَبَّ الشَّيْخُ يُقَبِّلُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَيَبْكِي وَيَقُولُ: هَذَا مَصْرَعُ الْخَائِفِينَ وَ هَذِهِ دَرَجَةُ الْمُجْتَهِدِينَ، وَ هَذِهِ مَنَازِلُ الْمُتَّقِينَ» (ابونعیم اصفهانی، بی‌تا، ج۱۰: ۱۸۰).

برای نمونه این نوع داستان‌ها را در رسالهٔ قشیریه اثر عبدالکریم بن هوازن قشیری متوفی ۴۶۵هـ.ق (قشیری، ۱۳۸۳: ۶۱۰، ۶۱۵، ۶۲۱)، کشف المحجوب اثر علی بن عثمان هجویری متوفی حدود ۴۷۰هـ.ق (هجویری، ۱۳۸۳: ۵۹۸)، تذکرة الاولیا اثر عطار نیشابوری متوفی ۶۱۸هـ.ق (عطار نیشابوری، ۱۳۸۷: ۶۴۶)، کتاب التوابین اثر ابن‌قدامة المقدسی متوفی ۶۲۰هـ.ق (مقدسی، ۱۳۸۷: ۱۷۸) و آثار متعدد دیگر صوفیه، می‌توان یافت (همچنین نک: نقشبندی، ۱۳۹۸: ۱۲۲). از دیگر سو، بسیار مهم است که این قبیل داستان‌ها در منابع حدیثی از پیامبر(ص) و امامان(ع) یافت نمی‌شود.

۶-۴. وجود بخش‌هایی از خطبه در روایت‌ها و داستان‌های صوفیان

علاوه بر اصل روایت متقدم خطبهٔ متقین که به حسن بصری منسوب شده است (ابن أبی‌الدنیا، ۱۴۱۳هـ.ق: ۳۸؛ همو، ۱۴۱۲هـ.ق: ۶۹؛ الخلدی، ۱۴۰۹هـ.ق: ۲۷؛ ابونعیم اصفهانی، بی‌تا، ج۲: ۱۵۱) و نیز جدای از بریده‌هایی از خطبه که به عنوان روایاتی از حسن بصری در منابع متقدم وجود دارند، -برای نمونه در کتاب الزهد المصنف ابن أبی‌شبیه متوفی ۲۳۵هـ.ق آمده است: «يَحْيَى بْنُ يَمَانٍ، عَنْ أَبِي الْأَشْهَبِ، عَنِ

الْحَسَنِ قَالَ: حُلَمَاءُ إِنْ جُهِلَ عَلَيْهِمْ لَمْ يَسْفَهُوا، هَذَا نَهَارُهُمْ فَكَيْفَ لَيْلُهُمْ، خَيْرُ لَيْلٍ أَجْرُوا دُمُوعَهُمْ عَلَى خُدُودِهِمْ وَصَفُّوا أَقْدَامَهُمْ يَطْلُبُونَ إِلَى اللَّهِ فِي فِكَاكِ رِقَابِهِمْ» (ابن أبی‌شیبه، ۱۴۰۹هـ.ق، ج۷: ۱۸۹)- برخی از داستان‌های مجزایی نیز در بعضی منابع به چشم می‌خورد که حاوی بخش‌هایی از خطبهٔ همام هستند. برای نمونه در کتاب الإبانة الکبری اثر ابن بطة العکبری متوفی ۳۸۷ هـ.ق:

«حَدَّثَنَا أَبُوحَفْصٍ عُمَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ رَجَاءٍ قَالَ: حَدَّثَنَا ابونَصْرٍ عِصْمَةُ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُوعَبْدِ اللَّهِ الْخَاقَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ مَطَرٍ، عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ جَدَّانَ؛ أَنَّ عَبْدَ الْوَاحِدِ بْنَ زَيْدٍ وَ الْحَسَنَ، دَخَلَا الْمَسْجِدَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَجَلَسَا، فَدَمِعَتْ عَيْنُ الْحَسَنِ، فَقَالَ عَبْدُ الْوَاحِدِ: يَا أَبَا سَعِيدٍ مَا يُبْكِيكَ؟ فَقَالَ: أَرَى قَوْلًا ...» (ابن بطه، ۱۴۱۵هـ.ق، ج۲: ۶۶۵).

۶-۵. هماهنگی خطبهٔ متقین با آموزه‌های صوفیه

با مرور و بررسی آموزه‌ها و مفاهیم خطبهٔ متقین، به نظر می‌رسد که این خطبه، علاوه بر در برداشتن برخی از اصول ساختاری صوفیه، به نوعی «منشور تعالیم و آموزه‌های تربیتی صوفیان» نیز می‌باشد. تصوف، طریقتی مبتنی بر آداب سلوک، جهت تزکیهٔ نفس و اعراض از دنیا برای وصول به حق و به کمال رسیدن نفس بوده و شیوهٔ آن، کنترل نفس و ترک علایق دنیوی و خویشتن‌داری است (برای نمونه نک: چیتیک، ۱۳۸۶: ۲۵). تعالیم تربیتی صوفیانه، همانند: «استقبال از مرگ و انتقال، انسان‌دوستی و صلح و صفا، برادری و ایثار، بی‌ریایی و دفع ظاهرپرستی، توجه به خانواده و کسب و کار، تهذیب نفس بر پایهٔ تعالیم اخلاقی، خدمت به مردم و تعاون، وارستگی و آزادگی، وقت و اهمیت زمان» (برای نمونه نک: ژیانی، ۱۳۹۴: ۲۱۳؛ نصر، ۱۳۹۳) گویای این همانی این تعالیم با آموزه‌های خطبهٔ متقین است؛ برای نمونه، به مشابهت یکی از اصول مهم صوفیان که از آن به مراحل «مرگ ارادی» یاد می‌کنند، یعنی موت ابیض و اسود و احمر (برای نمونه نک: معتمدی، ۱۳۹۷: ۱۸۵) با آموزه‌های خطبهٔ متقین می‌پردازیم.

۶-۵-۱. گرسنگی یا موت ابیض

جوع در نظر صوفیان، کم‌خوردن منجر به احساس گرسنگی است که در میان صوفیان متقدم، به معنای گرسنگی اختیاری به کار رفته و در احادیث بسیاری در کتب تصوف و عرفان، سفارش شده است که برای رسیدن به خدا، به جوع پناه ببرید. به دیگر سخن، گرسنگی و موت ابیض، جزو آداب یا ارکان مجاهدت صوفیان، و مدخل زهد و شیوهٔ عملی جای‌گرفتن معنویت در دل سالک است.

در خطبهٔ متقین، در دو جا به نتیجهٔ گرسنگی و موت ابیض اشاره شده است: یکی «أَجْسَادُهُمْ نَحِيفَةٌ» و دیگری «يَنْظُرُ إِلَيْهِمُ النَّاظِرُ فَيَحْسَبُهُمْ مَرْضَى وَ مَا بِالْقَوْمِ مِنْ مَرَضٍ». دربارهٔ عبارت «أَجْسَادُهُمْ نَحِيفَةٌ»، چند نکته درخور توجه است:

الف) این عبارت نهج‌البلاغه، در منابع متقدم‌تر که حاوی این بخش هستند، به این صورت آمده است: «مُعَذِّبِينَ شُرُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ وَ قُلُوبُهُمْ مَحْزُونَةٌ وَ أَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ وَ حَوَائِجُهُمْ خَفِيفَةٌ» (دینوری، ۱۴۱۸هـ.ق، ج۲: ۳۸۰؛ همو: ۱۴۱۹هـ.ق: ۲۵؛ ابن أبی‌الدنیا، ۱۴۱۳هـ.ق: ۳۸؛ همو: ۱۴۱۲هـ.ق: ۶۹؛ شلمغانی، ۱۴۰۶هـ.ق: ۳۷۰؛ ابن عبدربه، بی‌تا، ج۳: ۱۲۵؛ کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ج۲: ۱۳۱؛ الدینوری المالکی، ۱۴۱۹هـ.ق، ج۲: ۱۴۴).

ب) طبق برخی گزارش‌های تاریخی، حضرت امیر(ع) و برخی از امامان(ع) بدن نحیفی نداشته‌اند (به عنوان نمونه، برای دیدن گزارشات مختلف موافق و مخالف، نک: فقیه ایمانی، ۱۳۹۵: ۷۲).

ج) طبق این عبارات نهج‌البلاغه، «افراد چاق و کسانی که بدن نحیفی ندارند، متقی نیستند». این گزاره از جهت کلام اسلامی، نمی‌تواند با افرادی که از نظر ژنتیکی چاق هستند و نمی‌توانند لاغر باشند، هماهنگ و به نوعی عادلانه باشد. به عبارت دیگر دیگر، نمی‌توان ایمان و پرهیزکاری را با مشخصات غیرارادی و مادرزادی، گره زد.

۶-۵-۲. تحمل ایذای خلق یا موت اسود

«موت اسود» یعنی پایان خشم و تحمل آزار خلق و صبر بر ایذای مردم که از انواع موت ارادی نزد صوفیه است (قشیری، ۱۳۸۳: ۴۳؛ معتمدی، ۱۳۹۷: ۱۸۹). در خطبهٔ همام نیز می‌خوانیم: «وَ إِنْ بُغِیَ عَلَیْهِ صَبَرَ حَتَّی یَکُونَ اللَّهُ هُوَ الَّذِی یَنْتَقِمُ لَهُ نَفْسُهُ مِنْهُ فِی عَنَاءٍ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِی رَاحَةٍ» (رضی، ۱۳۸۵: ۲۸۸).

این فرازهای نهج‌البلاغه، در منابع متقدم‌تر که حاوی روایت غیرمشروح خطبه هستند، وجود ندارد (دینوری، ۱۴۱۸هـ.ق، ج۲: ۳۸۰؛ همو: ۱۴۱۹هـ.ق: ۲۵؛ ابن أبی‌الدنیا، ۱۴۱۳هـ.ق: ۳۸؛ همو: ۱۴۱۲هـ.ق: ۶۹؛ شلمغانی، ۱۴۰۶هـ.ق: ۳۷۰؛ ابن عبدربه، بی‌تا، ج۳: ۱۲۵؛ کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ج۲: ۱۳۱؛ الدینوری المالکی، ۱۴۱۹هـ.ق، ج۲: ۱۴۴).

۶-۵-۳. مخالفت با نفس یا موت احمر

مرگ احمر مخالفت با نفس است یا همان جنگ با نفس اماره و کشتن نفس. حتی موت ابیض و موت اسود، به نوعی رسیدن به موت احمر و سرکوبی نفس است (لاهیجی، ۱۳۷۱: ۴۲۶؛ معتمدی، ۱۳۹۷: ۱۸۹). در فرازهایی از خطبهٔ همام نیز می‌خوانیم «فَهُمْ لِأَنْفُسِهِمْ مُتَّهِمُونَ» یا «إِنِ اسْتَصْعَبَتْ عَلَیْهِ نَفْسُهُ فِیمَا تَکْرَهُ لَمْ یُعْطِهَا سُؤْلَهَا فِیمَا تُحِبُّ» (رضی، ۱۳۸۵: ۲۸۸). این فرازهای نهج‌البلاغه، در منابع متقدم‌تر که حاوی روایت غیرمشروح خطبه هستند، وجود ندارد (دینوری، ۱۴۱۸هـ.ق، ج۲: ۳۸۰؛ همو: ۱۴۱۹هـ.ق: ۲۵؛ ابن أبی‌الدنیا، ۱۴۱۳هـ.ق: ۳۸؛ همو: ۱۴۱۲هـ.ق: ۶۹؛ شلمغانی، ۱۴۰۶هـ.ق: ۳۷۰؛ ابن عبدربه، بی‌تا، ج۳: ۱۲۵؛ کلینی، ۱۴۰۷هـ.ق، ج۲: ۱۳۱؛ الدینوری المالکی، ۱۴۱۹هـ.ق، ج۲: ۱۴۴).

۶-۶. اسناد روایات منابع متقدم‌تر

علاوه بر اینکه اسناد متن روایت متقدم‌تر و غیرمشروح خطبهٔ متقین به حسن بصری برمی‌گردند، این نکته بسیار حائز توجه است که اسناد منابع متن مشروح خطبه نیز که گویندهٔ آن‌ها حضرت

امیر(ع) دانسته شده، جز سه سند مخدوش، همگی بدون اسناد و با عبارت «رُوِی» و مجهول ذکر شده‌اند. اکنون لازم است پرسیده شود که چرا منابع متقدم‌تر سنددار هستند و منابع بعدی، اسنادی برای نقل خود بیان نکرده‌اند؟ آیا این وضعیت گویای نکته‌ای نیست؟ به عبارت دیگر دیگر، ممکن است که علاقه‌مندان به یک متن، در مواردی که اسناد متن مشکل دارد، اسناد آن را حذف یا تعویض یا جعل نمایند تا متن مورد علاقهٔ خود را موجه جلوه دهند.

۷. نتیجه

۱. روایت یا خطبهٔ متقین، به سه شکل کلی (مختصر، مفصل و متفاوت از نهج‌البلاغه)، در بیش از ۲۵ منبع از منابع متقدم درج شده است که حدود نیمی از آن‌ها بدون سند هستند.

۲. اگر گویندهٔ اصلی متن یا خطبهٔ متقین را حضرت امیر(ع) بدانیم، راوی اصلی آن و به نوعی ناظر واقعه، این افراد می‌شوند: راوی مجهول؛ ابن‌عباس؛ نوف بکالی؛ سلیم بن قیس؛ حسن بصری؛ اوفی بن دلهم؛ علی بن حسین(ع)؛ امام صادق(ع)؛ امام باقر(ع)؛ ذوالنون المصری که اگر فقط راویان هم‌طبقه با حضرت امیر(ع) را در نظر بگیریم، تعداد راویان اصلی واقعه، تقلیل یافته و حدود شش نفر می‌شوند؛ با توجه به اینکه یک متن با هستهٔ اصلی و عبارات یکسان که لاجرم گویندهٔ آن نمی‌تواند بیش از یک نفر باشد، توسط پنج یا شش نفر نقل مستقیم یا به‌عنوان راوی ناظر ارائه شده است، می‌توان گفت که جز یک نفر، بقیهٔ راویان اصلی متن جعلی یا نادرست هستند.

۳. با توجه به اسناد خطبه در منابع متقدم و نیز متن منابع متقدمی که روایت یا خطبهٔ مشهور به متقین در آن‌ها آمده است، صاحب کلام متن روایت یا خطبه، به شش نفر منتهی و منتسب می‌شود: علی(ع)، حسن بصری، عالم، ابن عباس، علی بن حسین(ع) و ذوالنون المصری؛ با این وضع، گویندهٔ اصلی متن یا خطبهٔ متقین از طریق اسناد منابع متقدم، به‌سادگی قابل شناسایی نیست. بنابراین چند راه می‌توان

پیش گرفت: الف) متن را کلاً مخدوش بدانیم و هیچ انتسابی را نپذیریم؛ ب) یکی از انتسابات را به دلایل و شواهدی بپذیریم؛ ج) فرازهای متن خطبه را تفکیک و انتساب هر بخش را مجزا بررسی نماییم. اگر اسناد روایات منابع را ساده کنیم و اسناد تکرای و منابع بدون سند متقدم‌تر را از جدول این اسناد حذف کنیم، جز سند کافی که خطبهٔ متقین را از امام سجاد(ع) دانسته است، تمامی منابع متقدم‌تر که متن غیرمشروح خطبه را دارند، گویندهٔ متن خطبه را حسن بصری درج نموده‌اند. همچنین، قابل توجه است که اسناد منابع مشروح خطبه نیز جز سه مورد، همگی مجهول نقل شده و حذف سند گشته‌اند.

۴. در این میان، چند نکته پیرامون متن و اسناد خطبه درخور توجه است: الف) متن مشروح خطبه در منابع نخستین نیست؛ ب) متن روایت غیرمشروح خطبهٔ همام، بریده نیست؛ ج) انتساب روایت خطبه به حسن بصری و ذوالنون مصری. از سوی دیگر توجه به مجلس‌گویی صوفیان و ادبیات تعلیمی آن‌ها در کشف گویندهٔ خطبهٔ همام حائز اهمیت است و ما را به برخی از احتمالات پیش روی برای کشف گویندهٔ خطبه رهنمون می‌کند. ازجمله اینکه: یک) متن روایت غیرمشروح و مشروح، هر دو از حضرت امیر(ع) است؛ دو) متن روایت غیرمشروح از حضرت امیر(ع) است؛ ولی اضافات تشریحی آن، که در منابع نیمهٔ دوم قرن چهارم به بعد آمده، از دیگران است؛ سه) متن روایت غیرمشروح و مشروح، هر دو از دیگران هستند.

۵. برای کشف درستی انتساب گویندهٔ اصلی دو متن مشروح و غیرمشروح و درستی بعضی فرضیه‌ها، برخی از شواهد سندی و متنی خطبهٔ متقین، می‌تواند تعیین فرضیه‌های انتساب را پشتیبانی نماید که برخی از آن‌ها عبارتند از: الف) همام هویت تاریخی به‌عنوان صحابی امام علی(ع) ندارد. همچنین نوع وجود داستان همام در منابع و تنوع شکلی آن، از تدوین‌شدن این داستان در زمان‌های متأخر نشان دارد.

اساساً نوع داستان همام، کلیدواژهٔ داستان‌های صوفیه است. ب) وجود بخش‌هایی از خطبه در روایت‌ها و داستان‌های صوفیان. ج) با مرور و بررسی آموزه‌ها و مفاهیم خطبهٔ متقین، به نظر می‌رسد که این خطبه، علاوه بر دربرداشتن برخی از اصول ساختاری صوفیه، به نوعی «منشور تعالیم و آموزه‌های تربیتی صوفیان» نیز می‌باشد و هماهنگی کاملی با آموزه‌های صوفیه دارد. برای نمونه، می‌توان به مشابهت یکی از اصول مهم صوفیان که از آن به مراحل «مرگ ارادی» یاد می‌کنند، یعنی موت ابیض و اسود و احمر با آموزه‌های خطبهٔ متقین، اشاره نمود. د) توجه به اسناد روایات منابع متقدم‌تر نیز این شواهد ذکرشده را تقویت می‌کند.

۶. نتیجهٔ نهایی اینکه با توجه به اسناد و شواهد متنی و داستان همام، به نظر می‌رسد که خطبهٔ متقین از تراث صوفیه باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱) اکنون هشت مدل و نوع مختلف نسخهٔ خطی (با تحریرهای متفاوت) از کتاب سلیم که تفاوتهای فاحشی دارند، پیش روی ماست؛ به گونه‌ای که نسخههای خطی و نیز چاپهای موجود از این کتاب، شامل هشت حدیث تا ۲۲، ۳۲، ۴۲، ۴۷، ۴۸، ۹۹ حدیث هستند (نک: استادی، ۱۳۹۹: ب). خطبهٔ همام در نسخههای خطی کتابهای منسوب به سلیم که مدلهای قدیمی محسوب میشوند، وجود ندارد. فقط در نسخههای گروه ب مدل ۵، ادعا شده که خطبهٔ همام و چهار حدیث دیگر، در نسخهای مجهول که اکنون در دسترس نیست، وجود داشته است.

منابع

۱. ابن‌ابی‌الحدید (بی‌تا). شرح نهج‌البلاغة. تحقیق: محمد أبوالفضل إبراهیم. قم: إسماعیلیان.

۲. ابن‌أبی‌الدنیا (۱۴۱۲ق). الهم و الحزن. بی‌جا: دارالسلام.

۳. ـــــــ (۱۴۱۳ق). الأولیاء. بیروت: مؤسسة الکتب الثقافیة.

۴. ابن‌أبی‌شیبه (۱۴۰۹ق). مصنف ابن‌أبی‌شیبة (المصنف فی الأحادیث و الآثار). تحقیق یوسف الحوت. بیروت: دارالتاج.

۵. ابن‌بطه، عبیدالله (۱۴۱۵ق). الإبانة الکبری. ریاض: دارالرایة.

۶. ابن‌حمدون، محمد بن حسن (۱۹۹۶). التذکرة الحمدونیة. بیروت: دار صادر.

۷. ابن‌عبدربه (بی‌تا). العقد الفرید. بیروت: دارالکتب العلمیة (افست).

۸. ابن‌عساکر، علی (۱۴۱۵ق). تاریخ مدینة دمشق. بیروت: دار الفکر.

۹. ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (بی‌تا). حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء. قاهره: دار أم‌القری.

۱۰. أحمد بن حنبل (۱۴۲۰ ق). الزهد. حواشیه: محمد شاهین. بیروت: دارالکتب العلمیة.

۱۱. استادی، رضا (۱۳۸۳). مدارک نهج‌البلاغه. قم: قدس.

۱۲. استادی، کاظم (۱۳۹۹ الف). دربارهٔ نسخه‌های خطی منسوب به سلیم. قم: کتابخانه دارالحدیث.

۱۳. ـــــــ (۱۳۹۹ب). «معرفی نسخه‌های خطی سلیم». میراث شهاب. قم: ش۹۹.

۱۴. ـــــــ (۱۴۰۰الف). «بررسی انتساب سند کتاب سلیم به شیخ طوسی». علوم حدیث. دورهٔ ۲۶. ش ۱. ش پیاپی ۹۹. ۱۵۰-۱۷۷.

۱۵. ـــــــــ (۱۴۰۰ب). «بازشناسی مؤلف و قدمت تاریخی کتاب‌های منسوب به سلیم بن قیس». مطالعات ایرانی - اسلامی. د۱۱. ش۳.

۱۶. ـــــــــ (۱۴۰۱). «بررسی تطبیقی خطبهٔ متقین (همام) در منابع متقدم». مخطوط. قم: کتابخانهٔ دارالحدیث.

۱۷. اسکافی، محمد بن همام یا ابن‌شعبه حرانی (بی‌تا). التّمحیص. قم: مدرسة الامام المهدی(ع).

۱۸. امیدی پور، ولی (۱۳۹۶). «بررسی سبک‌شناختی خطبهٔ همام». پژوهشنامهٔ نهج‌البلاغه. د۵. ش۱۷.

۱۹. بحرانی، ابن‌میثم (۱۳۷۰). شرح نهج‌البلاغة. ترجمهٔ عارف. مشهد: قدس رضوی.

۲۰. پورجوادی، نصر الله (۱۳۸۰). «لطایف قرآنی در مجالس سیف‌الدین باخرزی». معارف. د۱۸. ش۲.

۲۱. چیتیک، ویلیام (۱۳۸۶). درآمدی بر تصوف. ترجمهٔ محمدرضا رجبی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

۲۲. حاجی خانی، علی (۱۳۹۷). استناد نهج‌البلاغه و نقد شبهات پیرامون آن. تهران: سمت.

۲۳. حرانی، ابن‌شعبه (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل‌الرسول(ص). تحقیق علی‌اکبر غفاری. قم: النشر الاسلامی.

۲۴. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷ق). خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال. قم: مؤسسة نشر الفقاهة.

۲۵. الخلدی، جعفر بن محمد (۱۴۰۹ق). الفوائد و الزهد و الرقائق و المراثی. طنطنا (مصر): دارالصحابة.

۲۶. دشتی، محمد (۱۳۸۵). ترجمهٔ نهج‌البلاغه. قم: محدث.

۲۷. دین‌پرور، جمال‌الدین (۱۳۸۵). از پارسایان برایم بگو: ترجمهٔ خطبهٔ متقین(همام). تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.

۲۸. الدینوری المالکی، أحمد بن مروان (۱۴۱۹ق). المجالسة و جواهر العلم. بیروت: دارابن‌حزم.

۲۹. دینوری، ابن‌قتیبه (۱۴۱۸ق). عیون الاخبار. بیروت: دارالکتب العلمیة.

۳۰. ـــــــــ (۱۴۱۹ق). تأویل مختلف الحدیث. بیروت: المکتب الاسلامی (مؤسسة الإشراق).

۳۱. رشاد، علی‌اکبر (۱۳۸۰). دانشنامهٔ امام علی(ع). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.

۳۲. رضی، محمد بن الحسین (۱۳۸۵). نهج‌البلاغه. قم: مؤسسهٔ امیرالمومنین(ع).

۳۳. رضی، محمد بن الحسین (۱۴۳۱ق). نهج‌البلاغه. تحقیق قیس عطار. قم: الرافد.

۳۴. ژیانی، ناهید و جمشید صدری (۱۳۹۴). «تعالیم و آموزه‌های تربیتی صوفیان». عرفان اسلامی. س۱۱. ش۴۴.

۳۵. سبط بن الجوزی، یوسف بن قزاوغلی (۱۴۲۶ق). تَذکِرَةُ الخَواصّ مِنَ الأمّة فی ذِکرِ خَصائص الأئمة. قم: شریف رضی.

۳۶. سلیم بن قیس (۱۴۱۵ق). سلیم بن قیس الهلالی. قم: الهادی.

۳۷. سلیمانی، مرتضی (۱۳۸۷). مجلس‌گویی و مجلس‌نویسی در ادب پارسی با تأکید بر مجالس سبعه، مجالس پنج‌گانه، معارف بهاء ولد. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد ادبیات فارسی. دانشگاه قم.

۳۸. السید، صبری ابراهیم (۱۴۰۶ق). نهج‌البلاغة (نسخة جدیدهٔ محققة و موثقة تحوی ما ثبتت نسبته للإمام علی من خطب و رسائل و حکم). قطر: دارالثقافة.

۳۹. شاکر، محمود محمد (۱۹۷۵م). «نهج‌البلاغه و گردآورندهٔ آن». الکاتب. س۱۵. ش۱۷۰.

۴۰. شامحمدی، زهرا (۱۳۸۹). نقد و بررسی روش دکتر صبری ابراهیم السید در نهج‌البلاغه. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، قم: دانشکدهٔ علوم حدیث.

۴۱. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۳۹۹). جرعه‌ای از دریا (ج۴). قم: مؤسسهٔ کتاب‌شناسی شیعه.

۴۲. شلمغانی، (منسوب به) محمد بن علی (۱۴۰۶ق). فقه الرضا(ع). قم: مؤسسة آل‌البیت(ع).

۴۳. شوشتری، محمدتقی (۱۳۷۶). بهج الصباغه فی شرح نهج‌البلاغه. تهران: امیرکبیر.

۴۴. ـــــــــــ (۱۴۰۱ق). الاخبار الدخیلة. تهران: مکتبة الصدوق.

۴۵. شهرستانی، سیدهبةالدین و دیگران (۱۳۸۷). مقالاتی پیرامون نهج‌البلاغه. تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.

۴۶. الصالحی الشامی، محمد بن یوسف (بی‌تا). سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد. بیروت: دارالکتب العلمیة.

۴۷. صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲). صفات الشیعه. تهران: اعلمی.

۴۸. ـــــــــــ (۱۳۷۶). الأمالی صدوق، تهران: کتابچی.

۴۹. صفا، ذبیح الله (۱۳۱۵). «تاریخ تعلیم و تربیت در ایران». مهر، ش۴۶.

۵۰. طباطبائی، ذبیح الله (۱۳۹۳). «سیر تطور مجلس‌گویی صوفیانه به عنوان نوعی ادب تعلیمی؛ از آغاز تا پایان دورهٔ صفوی». پژوهشنامهٔ ادبیات تعلیمی، س۶، ش۲۳.

۵۱. طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا). مکارم الاخلاق. المحقق: محمد الحسین الاعلمی. بیروت: مؤسسة الاعلمی.

۵۲. عطار نیشابوری، فریدالدین محمد (۱۳۸۷). تذکرةالاولیاء. تصحیح نیکلسون.

تهران: اساطیر.

۵۳. الفتّال النیشابوری، ابوعلی (۱۳۷۵). روضة الواعظین و بصیرة المتعظین. قم: رضی.

۵۴. فقیه ایمانی، سید محمدرضا و محمود کریمی (۱۳۹۵). «نقد و تحلیل روایات الانزع البطین در جوامع روایی فریقین». پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث. ش۱۹.

۵۵. قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۱۳۸۳). رسالة قشیریه. ترجمهٔ عثمانی. تهران: علمی و فرهنگی.

۵۶. کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق). کنزالفوائد. قم: دارالذخائر.

۵۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. محقق: علی‌اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الإسلامیة.

۵۸. لاهیجی، شمس‌الدین (۱۳۷۱). مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز. تهران: زوار.

۵۹. مازندرانی، محمدصالح بن احمد (۱۳۴۲). شرح الکافی. تهران: المکتبة الاسلامیة.

۶۰. مجلسی، محمدتقی (۱۳۸۵). شرح خطبهٔ متقین (شرح حدیث همام). تصحیح جویا جهانبخش. تهران: اساطیر.

۶۱. محمد بن منور (۱۳۶۶). اسرار التوحید فی مقامات الشیخ أبی‌سعید. به اهتمام محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگاه.

۶۲. معتمدی، مسعود (۱۳۹۷). «مرگ ارادی (تسلط بر نفس)». پژوهشنامهٔ عرفان. د۱۰. ش۱۸.

۶۳. مقدسی، ابن‌قدامه (۱۳۸۷). التوابین. ترجمهٔ دامغانی. تهران: اطلاعات.

۶۴. نصر، حسین (۱۳۹۳). آموزه‌های صوفیان از دیروز تا امروز. ترجمهٔ حیدری. تهران: قصیده‌سرا.

۶۵. نصیبی شافعی، محمد بن طلحه (۱۴۱۹ق). مطالب السؤول فی مناقب آل‌الرسول. بیروت: البلاغ.

۶۶. نقشبندی، عبدالستار (۱۳۹۸). «قسم چشم و صورت ایمان». پژوهشنامهٔ نهج‌البلاغه. س۷. ش۲۷.

۶۷. وکیع بن الجراح (۱۴۰۴ق). کتاب الزهد. تحقیق: الفریوائی. مدینه: الدار.

۶۸. هجویری، علی بن عثمان (۱۳۸۳). کشف المحجوب. تصحیح محمود عابدی. تهران: سروش.

۶۹. هیتمی، احمد بن محمد (۱۴۱۷ق). الصواعق المحرقة علی أهل الرفض و الضلال و الزندقة. بیروت: الرسالة.